

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه: بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -، گردآورنده.

عنوان و نام پدیدآور: "وحدت" از دیدگاه قرآن و سنت/به‌اهتمام محمد بیستونی.

مشخصات نشر: قم: بیان جوان، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۳۲ ص. ۱۱×۱۷ س.م.

شابک: ۹-۳۶-۵۶۴۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: وحدت اسلامی -- جنبه‌های قرآنی.

موضوع: وحدت اسلامی -- احادیث.

رده بندی کنگره: BP/۱۰۴/۳ و ۹۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۱۵۹/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۷۰۹۵۰

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۷	مقدمه
۹	وحدت از دیدگاه قرآن و سنت ...
۹	دسته اول - آیات منع از تقطع و تحزب ...
۱۱	دسته دوم - آیات منع از اختلاف پس از وحدت ...
۱۸	دسته سوم - آیات منع از تنازع و سست شدن ...

- دسته چهارم - منع از تفرقه پس از کشف حقیقت... ۲۳
- دسته پنجم - آیات اختلاف احزاب... ۳۱
- وحدت اصولی و حقیقی... ۳۲
- (۱۴۶)

- نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم... ۳۳
- بیان «محور» وحدت... ۳۴
- یادآوری «دستاوردهای» وحدت... ۳۴

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- تأکید بر وحدت «اصل و راه و هدف»... ۳۵
- کاشت بذر اخلاق گرایی «فداکاری و ایثار»... ۳۶
- تفویض اهداف والا و «مسئولیت‌های بزرگ»... ۳۷
- بیان معیارهای «برتری»... ۳۸
- تأکید بر «نقاط مشترک»... ۳۹
- (۱۴۷)

- شیوه‌های مثبت گفت و گو... ۴۰
- شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دید قرآن... ۴۱
- مقدمات گفت و گو... ۴۱
- دو طرف گفت و گو... ۴۴
- انتخاب برتر... ۴۶

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- احترام به عقاید دیگران و پرهیز از دشنام... ۴۶

۴۷	گو... و	گفت	موضوع	-
۴۹	مناسب... و	سازی	فضا	-
(۱۴۸)				
۵۱	وحدت اسلامی... و	تحقق	گو	- شیوه گفت
۵۲	گو... و	گفت	از	- هدف
۵۳	علیه السلام... و	علی	امام	وحدت در نگاه
۵۵	وحدت... و	به	وصول	راه
۶۲	وحدت... و	سوی	به	دعوت
۶۴	اتحاد... و	سوی	به	دعوت
۶۹	اختلاف گرایان... و	انتظار	در	عذاب عظیم
مطالب				فهرست
صفحه				موضوع
۷۱	وحدت است... و	عامل	قرآن	بازگشت به
(۱۴۹)				
۷۲	تفرقه... و		نمادهای	تخریب
۷۵	مسجد... و	چهره	در	بتخانه‌ای
۷۸	اعتقاد نکنید... و	جانب	حق	تنها به قیافه‌های
۸۲	آسمانی... و	عذاب‌های	ردیف	تفرقه هم
۸۴	است... و	شرک	نشانه	تفرقه
۸۶	است... و	توحید	ثمره	وحدت
۸۹	تفرقه... و	پرهیز	وحدت	اهمیت حفظ
۹۱	نفاق... و		تفرقه	زشتی
۹۴	وحدت اسلامی... و	با	ملی	رابطه اقتدار

مطالب	فهرست
	(۱۵۰)
صفحه	موضوع
۹۶	مذهب
	عامل وحدت است... ۹۶
۹۹	تفرقه
	عامل شکست ملتهاست... ۹۹
۱۰۱	نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی... ۱۰۱
۱۰۵	دستور دخول در سلم جمعی... ۱۰۵
۱۱۳	وحدت از دیدگاه سنّت... ۱۱۳
۱۱۳	معنای جماعت... ۱۱۳
۱۱۴	پیامدهای اختلاف... ۱۱۴
۱۲۲	اختلاف کیفی الهی است... ۱۲۲
۱۲۳	معنای «پراکندگی امت من رحمت است»... ۱۲۳
	(۱۵۱)
۱۲۵	علت تفرقه و جدایی... ۱۲۵
	هفت ویژگی منحصر بفرد در آثار مکتوب مؤسسه قرآنی تفسیر جوان
	۱- اعراب‌گذاری کامل
	۲- طرح جلد ابداعی گرافیکی
	۳- صفحه‌آرایی شعرگونه و چشم‌نواز
	۴- آزاد بودن هرگونه نسخه برداری و چاپ با هماهنگی مؤسسه
	۵- همه محصولات مؤسسه پس از فروش و استفاده، در صورت سالم بودن پس گرفته می‌شود
	(۱۵۲)
	۶- فروش اقساطی به قیمت نقد و با تعیین اقساط توسط خریدار

۷- امضای حداقل یک مجتهد جامع شرایط به نشانه تأیید محتوا در صورتی که هر کس از صدر اسلام (۱۴۳۰ سال پیش) تاکنون یک نمونه کتاب قرآنی را با جمع ویژگی‌های هفت‌گانه مذکور، به این مؤسسه ارائه دهد هزینه سفر عمره را جایزه می‌گیرد

(قیمت گذاری کل محصولات مؤسسه بر مبنای هفت ویژگی اشاره شده، انجام می‌شود)

الْأَهْدَاءِ

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ
رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا
وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعَةِ
الْمُصْطَفَى وَ بِهِجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِي
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَئِمَّةِ التَّسْعَةِ
الْمَعْصُومِينَ الْمَكْرَمِينَ مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ لِأَسِيمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ
الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،
الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ
الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُذِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَّمْنَا

(۶)

وَ أَهْلَنَا الضُّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقَكَ وَ جِنَا بِيضَاعَةَ
مُزْجَاءَ مِنْ وَوَلَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنِّكَ وَ
فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرَةٍ رَحْمَةٍ مِنْكَ
إِنَّا نُرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته‌هایی نو نو پدید می‌آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه‌های بی سابقه خواسته‌ها مضاعف می‌شود و امروز با اختلاف تمدن‌ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان‌های گوناگون و

(۷)

خواسته‌های متنوع ظهور می‌یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را به عهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می‌کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله‌ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید

(۸)

آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین	رب	العالمین	.
۲۱		ربیع الثانی	۱۴۲۵
۲۱		خرداد	۱۳۸۳

ابوالقاسم

خزعلی

(۹)

مقدمه

دیرزمانی است که در جوامع اسلامی، وحدت مسلمین و اتحاد میان کشورهای اسلامی بر سر زبان‌هاست و احزاب و اشخاص سیاسی در بسیاری از بلاد اسلامی با همین شعارها قدرت را به دست گرفته و حکومت می‌رانند. صدها کتاب و مقاله در این باب نوشته می‌شود و خطبا و گویندگان و نویسندگان بر اهمیت و ضرورت آن تأکید می‌ورزند، اما در عمل گامی مثبت و تعیین کننده برداشته نمی‌شود. ریشه این ناکامی‌ها را باید در مبانی‌ای جستجو کرد که بدون توجه به آنها همه تلاش‌ها همچنان بی‌نتیجه خواهد ماند.

مشکل اصلی در خود انسان و باورهای اوست. وقتی که روح تفکر توحیدی و اصول اخلاقی و ارزشی که لازمه گرایش عمومی به وحدت است بر جوامع بشری حاکم نباشد تلاش‌ها ثمری نخواهد بخشید. وحدت و لزوم حفظ آن صرفاً یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و اقدامی عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست که بتوان بر این اساس اتحادی نیرومند و پایدار بنا نهاد.

(۱۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مگر می‌توان تفکر توحیدی داشت، خدای یگانه را پرستید، اراده الهی را در همه اشیاء و عالم هستی ساری و جاری دانست، اما در میدان عمل و ارتباط با خلق خدا نسبت به سرنوشت دیگران بی‌تفاوت ماند؟

مگر می‌توان موحد بود و در «سپاه اصحاب تفرقه» قرار گرفت؟! چگونه است که در صدر اسلام وقتی آوای توحید به گوش جان آنان که از ظلمت حاکمیت شرک و بت‌پرستی به ستوه آمده بودند، می‌رسد، عصبیت‌های جاهلی، فخرفروشی‌ها و

قوم‌گرایی‌ها و افتخار به عشیره و نام و نسب، فرومی‌ریزند و همه آنچه که زمینه‌های اختلاف و تفرقه بودند حتی روابط سببی و نسبی نیز در مقابل اعتقاد به خدای واحد و نور عبودیت رنگ می‌بازند و جامعه‌ای پدید می‌آورند که «خیر امت» لقب می‌گیرد. امروز کتاب خدابی آن که حتی حرفی بر آن افزوده و یا کاسته شود در میان فرق اسلامی است، آئین و سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله منشور هدایت و راهنمای عمل ماست. قبله واحد، شعار واحد، نماز و مناسک واحد و صدها شعائر بزرگ اسلامی مورد اعتقاد همه مذاهب اسلامی است که می‌توانند محورهایی استوار و جاودانه

مقدمه (۱۱)

برای تشکیل امتی نمونه و واحد باشند. مردم، مشکل و گناهی ندارند. این علما و روشنفکران و زمامداران بلاد اسلامی هستند که می‌بایست رسالت خویش را در این شرایط خطیر ایفا کنند .

کتاب حاضر تلاشی است در جهت شناخت «مبانی و روش‌های ایجاد و تحکیم وحدت در جهان اسلام» و از آنجا که مخاطب اصلی این مؤسسه در همه آثار تألیفی جوانان فهمیده و روشنفکر می‌باشند، مطالب به صورت خلاصه و کم حجم تدوین شده است .

تهران - تابستان ۱۳۸۶
 دکتر محمد بیستونی
 رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

(۱۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

آیات بسیاری در قرآن مجید مسأله وحدت را بررسی و ریشه‌یابی کرده است

ما ابتداء این آیات را دسته‌بندی می‌کنیم، سپس توضیحاتی پیرامون آن‌ها خواهیم داد.

دسته اول - آیات منع از تقطع و تحزب

«يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنَّمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ. فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَالِدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (۵۱ تا ۵۳ / مؤمنون)

خداوند ابتدا رسولان را مخاطب قرار می‌دهد که از طیبات بخورند و عمل صالح انجام دهند. بعد می‌فرماید: «این امت شما، یک امت واحد است و من پروردگار (۱۳)

شما هستم» ملاحظه می‌کنیم در این جا «وحدت بین مردم، با توحید پروردگار، لازم و ملزومند».

بعد می‌گوید: «فَاتَّقُونِ» تقوا پیشه کنید و از خدا پروا داشته باشید. این تقوا که در قرآن اینقدر به آن امر شده، جلو هوا و هوس، جهالت‌ها، نادانی‌ها و خودبینی‌ها را می‌گیرد. یعنی اگر شما بخواهید در زمینه وحدت امت و توحید پروردگار موفق باشید، پیش شرطش تشبُّث و التزام به تقوا است. یعنی کنترل خود را از دست ندهید، و هر چه دلتان می‌خواهد، هر چه هوا و هوستان هست، هر چه دنیاتان اقتضاء می‌کند، انجام ندهید، بلکه خودتان را حفظ و کنترل کنید، خودنگهدار باشید. بعد از این تذکر بلافاصله می‌گوید: «فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا...» این امت‌ها (یا (۱۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

امت اسلام) امرشان را در بینشان تکه‌پاره کردند. «تَقَطَّعَ» یعنی با شدت و پی‌درپی و زیاد چیزی را قطعه، قطعه کردن، یعنی به صورت آشکار و روشن، اختلاف بینشان واقع شد و تکه‌پاره شدند، بعد می‌گوید: «كُلُّ حِزْبٍ بِمَالِدَيْهِمْ فَرِحُونَ» هر گروهی به آنچه خودش دارد دل خوش کرده است و تصور می‌کند تشخیص وی برترین تشخیص و رویه دیگران مردود است و همین طرز تفکر یعنی خودبرترینی و نفی دیدگاه‌های تخصصی و

کارشناسی سایرین، اولین شکاف را در دیوار عظیم وحدت ملی و اراده جمعی ایجاد می‌کند.

دسته دوم - آیات منع از اختلاف پس از وحدت

ابتدا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (۱۰۲/آل عمران)

آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۱۵)
 (ای مسلمانها تقوا پیشه کنید، آن طور تقوایی که شایسته خداوند است) بسیار تکلیف شاقی است، قرآن قبل از امر به وحدت در آیه بعد، تقوی را مطرح می‌کند، آن هم در حدی که شایسته خداست. یعنی «تا شما دل‌هایتان، پاک پاک نشود، و این نفس سرکش را درست کنترل نکنید، به وحدت نمی‌رسید»، مثلاً فلان عالم یارئیس می‌خواهد برتری خود را بر دیگران به کرسی بنشانند، بر حرف باطل خود اصرار می‌ورزد. همین امر، منشأ اختلاف می‌شود. باید تقوی داشته باشید آن گاه می‌گوید: (و سعی کنید، نمیرید مگر این که مسلم باشید) یعنی تادم مرگ تسلیم خدا باشید. انسانی که تسلیم هوا و هوسش می‌باشد، تقوا ندارد، تسلیم خدا هم نیست. بلکه تسلیم نفس خودش، تسلیم مال، جاه و مقامش است، و به وحدت نمی‌رسد، کما این که به توحید هم نمی‌رسد. پس در این آیه،

(۱۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
 آیه قبل «تقوی شرط رسیدن به وحدت» است.

در آیه بعد می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ بِنِعْمَةِ اِخْوَانَا وَ كُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ اٰيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۱۰۳ / آل عمران).
 (به ريسمان خدا متمسك شويد و متفرق نشويد) تفرق، یعنی فرقه فرقه شدن، قطع

یعنی قطعه، قطعه شدن، تحزب یعنی حزب، حزب شدن، بعد می گوید: «نعمت خدا را بر خودتان بیاد بیاورید که شما دشمن هم بودید، خدا بین دل‌های شما الفت داد، و در نتیجه این الفت برادر هم شدید (اخوت و الفت بین مسلمانان بزرگ‌ترین نعمت است) بعد می فرماید: «شما در کنار گودال آتش بودید، (به علت آن اختلافی که در جاهلیت داشتید تا مرز سقوط در آتش رفته بودید) خدا شما را آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۱۷) نجات داد» (انقاذ غریق، یعنی نجات دادن کسی که دارد غرق می‌شود، خداوند مسلمان‌ها را با وحدت از دریای آتش نجات داد یعنی «تفرقه دریای آتش است» بعد می فرماید: (این چنین خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند شاید هدایت بشوید). در آیه بعد می گوید: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱۰۴ / آل عمران) اگر شما بخواهید به این مفاهیم عالی برسید، در وحدت امت، و در اعتصام به «حَبْلِ اللَّهِ وَتَقُوا مَوْفِقَ بَاشِيدِ، شرطش این است که جماعتی از شما، به معروف امر و از منکر نهی کرده مردم را به خیر دعوت کنند، قرآن، بلافاصله مسأله دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می‌کند. یعنی «اگر جماعتی مصلح و خیرخواه و آمر به معروف و (۱۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت ناهی از منکر، در بین مسلمانان نباشند، خود بخود مردم بطرف تفرقه و تحزب می‌روند» و حتماً از تقوا دست برمی‌دارند. شرط رفتن به طرف تقوی و وحدت، این است که عده‌ای همیشه مراقب باشند که مسلمان‌ها در کجا و در کدام منطقه دارند به طرف شر می‌روند، و از خیر دست برمی‌دارند. کجا دارند به راه تفرقه می‌روند و از راه وحدت دست برمی‌دارند، به آنها هشدار بدهند، باید چنین جماعتی در بین مسلمان‌ها باشد، که اگر بود «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» مسلمان‌ها رستگار می‌شوند. یعنی در راه پرپیچ و خم اسلام و وحدت

اسلامی باید این افراد، ما را راهنمایی کنند تا رستگار شویم. در آیات بعد دوباره برمی‌گردد به مسأله تفرقه و می‌فرماید: آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۱۹) وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵/آل عمران)

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، (آن هم) پس از آن که نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آن‌ها عذاب عظیمی دارند. سپس می‌گوید: «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (۱۰۶ / آل عمران) روزی خواهد آمد که گروهی روسفید و گروهی روسیاهند، آن‌هایی که صورت‌هایشان سیاه است، خداوند به آن‌ها چه می‌گوید؟ می‌گوید شما بعد از ایمان کافر شدید؟ بعد از وحدت، اختلاف پیدا کردید؟ بعد از این که در خط خیر بودید، به طرف شر رفتید؟ بلی «تفرقه بعد از وحدت در حقیقت، کفر بعد از ایمان است». آن گاه ادامه می‌دهد: (۲۰) وَحَدَّثَ مِنْهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْحَقِّ كَذِبًا كَثِيرًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُجْرِمُونَ (۱۰۷ / آل عمران) و اما آن‌هایی که روسفید هستند، در رحمت خدا مخلد و جاودانند. از سیاق این آیه به دست می‌آید که «طرفداران وحدت، در دنیا روسفید و در آخرت رستگارند. و طرفداران تفرقه به عکس، در دنیا و آخرت مشمول عذاب هستند و روسیاهند».

وحدت و اخوت اسلامی، نعمت خدا در این جهان، و باعث راحتی و آسایش در آخرت است، و بالعکس تفرقه در دنیا، مایه عذاب اخروی است. بلی، روسفیدی در دنیا مایه روسفیدی آخرت و سیه‌رویی دنیا مایه سیه‌رویی آخرت است. قرآن با این دو تعبیر (روسیاهی و روسفیدی) وضع مردم خوشبخت و بدبخت را مجسم

می‌کند حالا عجیب این است که قرآن پس از این مطلب، یعنی آیات منع از اختلاف پس از وحدت (۲۱) بحث از وحدت و تفرقه دوباره مسأله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می‌کند. اول بحث از وحدت و اختلاف بود، آن گاه مسأله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کرد، بعد به بحث تفرقه و اختلاف برگشت، و باز برای بار دوم به امر به معروف و نهی از منکر برمی‌گردد و می‌گوید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (۱۱۰/آل عمران) (شما در وقتی بهترین امت هستید که امر به معروف و نهی از منکر کنید) معروف، همان وحدت و اخوت است، منکر در این جا، همان تفرق، تحزب، و اختلاف، و از ایمان به طرف کفر رفتن است. بنابراین، «مسأله وحدت و اختلاف با مسأله امر به معروف و نهی از منکر کاملاً رابطه دارد».

در پایان این آیات اهل کتاب را برای ما، مایه عبرت قرار می‌دهد و در آیه بعد می‌فرماید:

(۲۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

«ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا...» (۱۱۲ / آل عمران) هر جا شناخته شوند، ذلیل هستند. یعنی ای مسلمان‌ها، اگر شما هم از وحدت دست بردارید و به طرف تفرقه و تحزب بروید، شما هم همین سرنوشت را خواهید داشت. چرا مسلمان‌ها در برابر دیگران ذلیل‌اند؟ چرا دیگران جلو افتاده‌اند، و بر مسلمانان مسلط شدند؟ قبلاً دو ابر قدرت در جهان بود. حالا یک ابر قدرت، در آینده چند ابر قدرت؟ همه هم غیر مسلمان و مسلط بر مسلمانان چرا؟ برای این که مسلمان‌ها راه تفرقه را رفته‌اند. بنابراین «تفرقه و تحزب ملازم با ذلت است».

دسته سوم – آیات منع از تنازع و سست شدن :

- «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۴۶) / انفال

آیات منع از تنازع و سست شدن (۲۳)
 خدا و رسول را اطاعت کنید. (این اطاعت از خدا و رسول، همان اعتصام به جبل الله و همان تقوایی است که قبلاً گفته شد که منشأ وحدت و خیر است)، با هم نزاع نکنید، نزاع و منازعه یعنی دعوا کردن، با یکدیگر جنگ کردن، اختلاف باید به صورت تنازع در نیاید، به صورت دعوا کردن نباشد، خوب اگر نزاع کردیم و اختلافات به منازعه رسید چه می شود؟ «فَتَفْشَلُوا» «فَشَلَّ» یعنی سست شدن، جامعه شما یک جامعه معیوب و سستی می شود که زود می توان آن جامعه را ذلیل کرد، بعد می گوید: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» یعنی اگر شما بخواهید جلو این تنازع و فِشَل را بگیرید، باید صبر کنید، صبر یک رابطه قوم و خویشی با تقوا دارد، چون تقوا هم بدون صبر نمی شود، اگر انسان دلش چیزی را خواست و یک فکر شیطانی به آن دست داد، باید صبر کند و خود را کنترل نماید.

(۲۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

صبر چند قسم است، یک قسم آن صبر در معصیت است که این جا چنین است یعنی اگر منشأ اختلاف هوی و هوس و غرض و مرض است باید صبر کرد. یا اگر اختلاف نظری هست باید تحمل کرد، اگر دو مسلمان با یکدیگر در یک مسأله اختلاف نظر دارند، (که این را اسلام رد نکرده)، نه هوا و هوس، نه تحزب، نه تفرق و نه تقطع اگر اختلاف نظر دارند باید یکدیگر را بپذیرند، تحمل کنند و «در برابر اظهار نظر مخالف تحمل و صبر داشته باشند». پس راه این که منازعات به تقطع و تفرق نینجامد، تقوا و صبر است.
 - «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِأَدْنَاهِ حَتَّى إِذَا فَشَلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...» (۱۵۲/آل عمران)

آیات منع از تنازع و سست شدن (۲۵)
 ما شما را تأیید می‌کنیم و کردیم، تا کی چنین بود؟ «حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ...»
 تا هنگامی که سست شدید، جامعه واحد به هم بسته و نیرومند شما سست شد، و پس از این که فتح و پیروزی را که دوست داشتید به شما ارائه داد، شما به گناه روی آوردید، با یکدیگر در کار خود به نزاع پرداختید. اینجا دیگر خدا وعده نداده که شما را حمایت کند. تا جایی که اخوت و برادری را حفظ و خدا را یاری کردید، وعده کردیم شما را نصرت دهیم و دادیم، «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ...» (۷ / محمد) .
 مسلماً نصرت خدا شرط دارد. اما وقتی سست ایمان شدید، و به‌جان هم افتادید و بهانه‌گیری میان شما شروع شد و گناه رواج پیدا کرد دیگر از نصرت ما خبری نیست.

(۲۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
 حالا باید دید چرا اختلاف و تنازع پیدا کردند؟ چرا بعد از اطاعت، به عصیان گرویدند؟ می‌فرماید: «مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ...» .
 اختلاف شما سردنیاست، دعوا سر دنیا است، همه اختلافات ریشه‌اش حب دنیا است «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا» (۱) واقعا همین‌طور است، حتی اختلافات فکری، سیاسی، حزبی منشأش حب دنیا است زیرا امکان ندارد کسی یا گروهی برای رضای خدا از وسایلی شیطانی استفاده کند. در برابر این نوع از اختلاف، اختلاف دیگری هم هست، انسانی که در طلب حق است، مطالعه می‌کند، بحث می‌کند، سؤال می‌کند، ولی مادامی که به حق نرسیده، با
 ۱- الکافی: ۱/۳۱۵/۲ .

آیات منع از تنازع و سست شدن (۲۷)
 کسان دیگری که آنها هم در جستجوی حق هستند، اختلاف دارد. اما این اختلاف ناشی از، هوا و هوس، دنیاطلبی، ریاست‌طلبی، حزب‌بازی و تفرقه‌طلبی نیست. اختلاف نظر

است، چون واقع را ندیده‌اند با هم اختلاف دارند، این نوع اختلاف مذموم نیست زیرا باعث کشف حقایق و تنویر افکار عمومی خواهد شد.

دسته چهارم - منع از تفرقه پس از کشف حقیقت :

در چند آیه می‌خوانیم که بسیاری از افراد پس از این که علم پیدا کردند و حقیقت برای آنها کشف شد اختلاف پیدامی‌کنند. این اختلاف را قرآن منع می‌کند. حتی آنرا نشانه کفر می‌داند. از جمله در این آیات:

- «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ...» (۱۰۵ / آل عمران). شما مانند آن امت‌ها و جمعیت‌هایی نباشید که پس از این که آیات (۲۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت بینات و علم به سراغشان آمد، اختلاف کردند و به تفرق گزیدند.

- «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ... وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (۱۳ و ۱۴ / شوری) آنان متفرق نشدند مگر بعد از آن که علم به سراغشان آمد. یعنی از روی علم و عمد، اختلاف کرده و متفرق شدند چرا؟ «بَيْنَهُمْ» برای این که بعضی از آنها می‌خواستند بر دیگری تجاوز کنند.

«بَغْيٌ» به معنی تجاوز و ستم است، مثلاً می‌بیند اگر لحظه‌ای کوتاهی کند، ریاست را دیگری خواهد گرفت، لذا قیام می‌کند، دیگری هم همین‌طور، اینجاست که تفرقه پیدا می‌شود. موضوع این نیست که صرفاً در یک مسأله علمی، اختلاف دارند، بلکه این است که این یکی می‌خواهد بر دیگری سیطره پیدا کند، و او هم می‌خواهد بر رقیب خود تسلط یابد، این امر هم غالباً بعد از علم است.

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۲۹)

چنین نیست که در راه طلب علم قدم می‌زنند و می‌خواهند به حق برسند. نه به حق رسیده‌اند اما چون هر یک هدف پلیدی دارد، و می‌خواهد به آن برسد، راهش

را جدا می کند و اختلاف پیدا می شود.

- «وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ الْأَذْيَانُ أَوْ تُؤْتَوْهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (۲۱۳/بقره)

این فرقه ها اختلاف پیدا نکردند، مگر پس از آن که به آن ها کتاب داده شد و

پس از این که بیّنات به سراغشان آمد، (بغیا بینهّم) باز برای این که، بعضی

می خواستند بر بعضی دیگر سیطره پیدا کنند.

این آیات، غالباً درباره بنی اسرائیل است، در چند جا از آنان اسم می برد. مانند:

- «وَمَا اخْتَلَفَ الْأَذْيَانُ أَوْ تُؤْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ»

(۱۹) / آل عمران

(۳۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

اهل کتاب اختلاف نکردند، مگر پس از این که علم پیدا کردند، برای این که

می خواستند بعضی بر بعضی دیگر تجاوز کنند، و برتری طلبی باعث شد که

اختلاف کنند.

- در آیه دیگر می گوید: «وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِيَّ إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا

اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ»

(۹۳) / یونس

به بنی اسرائیل طیبات دادیم، ریاست دادیم، (در آیه بعد می گوید: «فَضَلَّناهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»

یعنی: آنان را بر همه جهانیان عصر خودشان برتری دادیم) اما این ها، بعد از این همه

نعمت ها، و بعد از آمدن کتاب و بیّنات و علم، دسته دسته و متفرق شدند. چنین

کسانی مسلماً تقوا ندارند. و در برابر هوا و هوس

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۳۱)

صبر هم ندارند.

- آیه دیگر: «وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ

فَضَلَّناهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا

بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (۱۶ و ۱۷ / جاثیه)
قرآن به دفعات داستان‌های بنی اسرائیل را برای مسلمانان نقل کرده، برای این که عبرت بگیرند بنی اسرائیل سیادت پیدا کردند، و بر فرعون غلبه کرده و حکومت تشکیل دادند.
در زمان خودشان بر اقوام دیگر برتری داشتند، و به قول بعضی از مورخین پرچم توحید در زمان قدرت بنی اسرائیل، در دست آن‌ها بود. امت‌های دیگر موحّد نبودند. بعد از این یک مرتبه بدبخت
(۳۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت شدند، چرا؟ «فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» اختلاف نکردند مگر زمانی که علم به سراغشان آمد، زیرا قصد تجاوز به یکدیگر را داشتند.
شما، اگر تورات موجود را (که در حقیقت، تاریخ بنی اسرائیل است و مسلماً بعد از حضرت موسی نوشته شده، و نه یک کتاب آسمانی) مطالعه کنید، رقابت‌های بین بنی اسرائیل را مشاهده خواهید کرد. حتی رقابت‌های آنان، به حدی رسید که در همین فلسطین کوچک، دو حکومت تشکیل دادند: در شمال حکومتی به نام اسرائیل و در جنوب حکومت دیگر به نام یهود.
این‌ها را تاریخ نوشته، و قرآن می‌خواهد به مسلمان‌ها بگوید: شما از آنان عبرت بگیرید، راز سقوط آنها را بررسی کنید، چشمتان را باز کنید و ببینید بنی اسرائیل که به اوج قدرت رسیدند، چه شد که به فرموده قرآن تا قیامت منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۳۳) توسری می‌خورند و ذلیل هستند. و به گفته قرآن: «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ» (۱۱۲/آل عمران)، مهر ذلت بر پیشانی آن‌ها خورده است!! همین دو دستگی‌ها و اختلافات، باعث شده است که چنین بشوند، شما مسلمان‌ها مبادا به سرنوشت آن‌ها دچار بشوید، که متأسفانه دچار شده‌ایم.
دنباله آیه تهدید می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ»

يَخْتَلِفُونَ» پروردگار تو روز قیامت در بین این‌ها حکم خواهد کرد، در آن چه اختلاف کرده‌اند، خواهد گفت: اختلافتان باطل بوده، اسفار تورات دست شما بوده، بینات داشتید، اما به بیراهه رفتید، همه شما باطل هستید، نه این که یکی از شما حق است و دیگری باطل. خیر همه شما بر باطلید، و این وعده عذابی است از طرف خدا، به کسانی که بعد از اقامه بینة و حصول علم (۳۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت برای آنان، از روی هوا و هوس به سوی تحزب، ریاست‌طلبی و دنیاطلبی رفتند. در جای دیگری گوید: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلِيَّ شَرِيحَةً مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبَعُهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (۱۸) / جاثیه).

ای پیامبر، ما یک راهی از دین را به تو نشان دادیم، پس تو به آن متشبث باش و از هوا و هوس‌های مردم جاهل تبعیت نکن، خطاها و اختلاف و تفرق، پیروی هواست، امیرالمؤمنین در خطبه شریفه‌ای می‌فرماید: «إِنَّ أَخْوَفَ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ» (۱)، بزرگترین چیزی که من از آن برای شما نگرانم دو چیز است: یکی این که پیروی هوای نفس کنید یعنی از تقوایی که سررشته وحدت بود دست بردارید، دیگر این که آرزوهای دور و دراز داشته باشید که اگر هزار سال (۱- نهج البلاغه، خطبه (۲۸)).

منع از تفرقه پس از کشف حقیقت (۳۵) هم عمر کنید به آن نمی‌رسید. همین دو امر باعث می‌شود که انسان از حق دست بردارد و در نتیجه اختلاف پیدا می‌شود.

- «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَكَوَلَا كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ وَأَنْهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ...» (۱۱۰ / هود) ما به موسی کتاب دادیم سپس در آن اختلاف کردند و اگر قضای حتمی خداوند نمی‌بود میان آنان (با عذاب) حکم می‌شد، و آنان در

شکی شبهه‌ناک به سر می‌برند، یعنی پس از این که کتاب آمد، آنان در خود کتاب اختلاف کردند. «وَإِنَّ الَّذِينَ اِخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (۱۷۶ / بقره)، آنهایی که در کتاب اختلاف می‌کنند، آنها در یک شکاف و شقاق و تفرقه، بسیار دور از حق هستند. ملاحظه می‌کنید در آیات سابق اختلاف در حق (۳۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت پس از علم به آن مطرح بود، اما در این دو آیه اختلاف در خود کتاب الهی عنوان شده است که حتماً منشأ اختلافات دیگر خواهد شد.

دسته پنجم - آیات اختلاف احزاب:

در آیاتی چند از قرآن، مسأله اختلاف احزاب را مطرح می‌کند: «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ» (۳۷ / مریم)، احزاب در بین خودشان اختلاف کردند، اصلاً اگر امت، حزب، حزب شد حتماً اختلاف هست، اگر اختلاف ندارند چرا چند حزب شدند؟ هر جا قرآن می‌خواهد مذمت کند، کلمه (احزاب) را می‌آورد، آنجائی که (حزب) است، همان حزب الله است، تعریف می‌کند، یعنی حزب الله در بین مسلمانان فقط یک حزب است، و اگر به احزاب تقسیم شدند دیگر فاجعه است. (۱)
۱- ندای وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ص ۶۴.

آیات اختلاف احزاب (۳۷)

وحدت اصولی و حقیقی

قرآن کریم در نفی انواع دروغین وحدتی که زیر عنوان «وحدت فیزیکی و مادی» می‌گنجد، به وحدت حقیقی، اشاره می‌کند؛ وحدت‌های دروغین از این قرارند: وحدت بر اساس منافع سیاسی؛

؛	قومی	پایه	اساس	بر	وحدت
؛	قبیله‌ای	تعصب‌های	اساس	بر	وحدت
؛	جغرافیایی	مرز	اساس	بر	وحدت
؛	مشرک	تاریخ	پایه	بر	وحدت
سنت	و	قرآن	دیدگاه	از	وحدت (۳۸)
؛	مادی	تمدن	پایه	بر	وحدت
؛	طبقاتی	منافع	اساس	بر	وحدت

قرآن هیچ یک از این انواع و گونه‌های وحدت را، عامل قطعی پیروزی نمی‌شمارد؛ اما در مقابل بر روی «وحدت‌دل‌ها»، یعنی وحدتی انگشت می‌گذارد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اگر هر آنچه در روی زمین است پردازد، نمی‌تواند با عوامل مادی، آن را تحقق بخشد.

آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران به این نوع «وحدت اصولی و حقیقی» اشاره کرده و می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...»

آیات اختلاف احزاب (۳۹)

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم

نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم

با توجه به این که قرآن کریم، خود در پی وحدت اسلامی است، برنامه جامع، عملی و گسترده‌ای را برای تحقق آن، ترسیم می‌کند که شامل اصول والا و برگرفته از ارزش‌های حیاتی آن است. ما در این جا، در پی بررسی جزئیات این برنامه بزرگ نیستیم، بلکه تنها به نمادها و اصول آن به منظور تحقق هدف مورد نظر خود از این مبحث، اشاره می‌کنیم:

۱- بیان «محور» وحدت

به تعبیر قرآن کریم: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱۰۳ / آل عمران)، و همگی به ریسمان خدا چنگ زنی و پراکنده نشوید. «ریسمان الهی» و ابزار تحقق خشنودی او، خود اسلام و قرآن و هر خط و مرزی است که خطا در آن راه نیابد. (۴۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

۲- یادآوری «دستاوردهای» وحدت

برای آن است که احساس ضرورت وجودی وحدت، همواره در دلها، زنده بماند و امت را به فراتر رفتن از اختلافات گذرا و به یک سو نهادن آنها، فراخواند: «وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۱۰۳ / آل عمران)، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که دشمنان یکدیگر بودید؛ پس میان دل‌های شما الفت برقرار کرد تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند باشد که راه یابید.

۳- تأکید بر وحدت «اصل و راه و هدف»

نمادهای هشتمانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن (۴۱) تأکید بر این که اصل، یکی است: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (۱ / نساء)؛ همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید. و انگشت بر این نکته که راه هم یکی است: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (۱۳ / شوری)؛ از احکام دین، آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را

که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که: دین برپادارید و در آن تفرقه اندازی نکنید. یعنی همه حرف پیامبران الهی در یک جمله خلاصه می شود که عبارتست از: دین «مدار بودن و پرهیز از اختلاف» .

و بر یگانه بودن هدف نیز، تأکید می کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (۵۶ / ذاریات)، و جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا پرستند. (۴۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت و سرانجام، همگان را فرامی خواند تا به اتفاق، وارد حوزه «تسلیم کامل در برابر خداوند» متعال گردند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (۲۰۸ / بقره)، ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی به اطاعت خدا درآیید و گام های شیطان را دنبال می کنید.

۴ - کاشت بذر اخلاق گرایی، «فداکاری و ایثار»

کاملاً روشن است که از جمله شرایط وحدت و پیمودن راه مشترک، به فراموشی سپردن بسیاری از منافع فردی و کار در چارچوب منافع جمع و گروه واحد است؛ در این میان، اسلام عزیز، تنها ایدئولوژی ای است که در ضمن یک برنامه پرشکوه، مشکل اجتماعی «تضاد میان خواست های فردی و منافع جمع» را حل می کند و بدین ترتیب، اساس وحدت را پی می ریزد. از جمله محتویات این نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن (۴۳) برنامه، کاشت بذر اخلاق گرایی و پرورش روحیه ایثار در جانها «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَكَوْكَانَ بِهِمْ خِصَابَةٌ» (۹ / حشر)؛ و هر چند در خودشان احتیاجی مبرم باشد دیگران را بر خودشان مقدم می دارند. و پروراندن روحیه کار و تلاش در راه خدا «أَنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَنُرِيدَ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (۹/ انسان)؛ ما برای خشنودی خداست که شما را اطعام می کنیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.

۵- تفویض اهداف والا و «مسئولیت‌های بزرگ»

از جمله شیوه قرآن کریم، تفویض اهداف والای امت و واگذاری وظایف و مسئولیت‌های بزرگ و تمدن‌ساز به آنهاست؛ برای مثال می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»، شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید. و در جای دیگری می‌گوید: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است)، شما را نیز امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال که میان افراط و تفریط هستید) تا گواه بر مردم باشید. (۱۴۳ / بقره)

۶- بیان معیارهای «برتری»

ملاک‌های برتری از نظر قرآن کریم، از این قرارند:

- تقوی: «انَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰیكُمْ» (۱۳ / حجرات)
- دانش: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِیْنَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِیْنَ لَا يَعْلَمُونَ؟» (۹ / زمر)
- جهاد و کوشش: «فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِیْنَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِیْنَ دَرَجَةً» (۹۵ / نساء)

کاملاً روشن است چنان‌چه این معیارها، از سوی جامعه و امت، پیاده گردد، نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن (۴۵) دارای بیشترین هم‌پیوندی و همبستگی خواهد گشت.

۷- تأکید بر «نقاط مشترک»

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (۶۴ / آل عمران)؛ بگو «ای اهل کتاب، بیایید بر

سر سخنی که میان ما و شما یکسان است متمرکز شویم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.

چنین کاری، مسلمانینه خوبی برای تفاهم و نیل به حقیقت فراهم می‌آورد. این شیوه، ناگزیر باید ما مسلمانان را به انگشت گذاردن بر نقاط مشترک میان خود، سوق دهد؛ نقاط مشترکی که بی‌تردید خیلی بیش از آنی است که تصورش می‌رود (۴۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت و شامل همه زمینه‌ها، می‌گردد. شگفت این که برخی از ما، آماده همزیستی با یک کمونیست ملحد هستیم و با آرامش و خونسردی با او بحث می‌کنیم؛ اما احیاناً آمادگی آن را نداریم که به روی مسلمانی که در برخی موارد جزئی با او اختلاف نظر داریم، نگاه کنیم! آیا این کار، مربوط به دشمنان خدا نیست؟

۸ - شیوه‌های مثبت گفت و گو

قرآن کریم، برای گفت و گو با دشمنان، شیوه عملی و بسیار جالبی را مطرح می‌سازد، درباره دوستان و پیروان که جای خود دارد. قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌آموزد تا به رغم ایمان شدید پیامبر به باورهای خود، به کافران بگوید: «وَ اَنَا اَوْ اَيَّاكُمْ لَعَلَى هُدَى اَوْ فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (۲۴ / سبأ)؛ و در حقیقت یا ما یا شما نمادهای هشتگانه وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن (۴۷) بر هدایت یا گمراهی آشکاریم. این شیوه‌های کاملاً منطقی و عملی در گفت و گوها و روشی برتر برای نیل به یک نتیجه صحیح از چنین راهی است. ناسزاگویی و طرد و ضرب و شتم و امثال آن، نه تنها هیچ نتیجه‌ای به دست نداده تأثیر مثبتی به جای نمی‌گذارد، اثر معکوس هم دارد. گفت و

گوی آرام و علمی و منطقی میان دو طرفی که به رغم اختلاف در داده‌ها و زمینه‌ها، آماده پذیرش حق و به دنبال حقیقتند و در این راه از برهان و استدلال منطقی بهره می‌گیرند، ضامن رسیدن به باورهای مشترک و تشکیل پایه و مبنایی برای وحدت و عرصه‌ای برای همکاری‌های مشترک است.

شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دید قرآن

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

بدون شک با تأمل در آیات قرآن مجید، می‌توان شالوده و ادبیات گفت و گو را کشف کرد که به ذکر مهمترین آن‌ها بسنده می‌کنیم:

۱- مقدمات گفت و گو

مجموعه مسائلی وجود دارد که پیش از گفت و گو، باید حل شده باشند. این آیه قرآنی نیز تأکید دارد که دعوت کننده به خدا باید کاملاً آگاه و با بینش روشن اقدام به این کار کند: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (۱۰۸ / یوسف) بگو: این راه من است که من و پیروانم بابصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم، منزله است خدا و من از مشرکان نیستم.

و نیز باید بر اصول مسلم اولیه، اتفاق نظر وجود داشته باشد؛ شرایط و ادبیات گفت‌وگو برای وحدت از دید قرآن (۴۹) چنانچه از پیش اصول توافق شده و فرضیات مسلمی - هرچند اولیه و بدیهی - وجود نداشته باشد، محال است که بتوان به نتیجه مشخصی رسید. از این جاست که قرآن کریم، در برابر آن دسته کسانی که منکر اصول مسلم و بدیهی هستند، «بر خطا بودن ایشان» را یادآور می‌شود و آنان را در برابر پرسش‌های فطری و

وجدانی، قرار می‌دهد، وقتی مقلدان، به یک اصل ایمان می‌آورند (دنباله روی کورکورانه از پدران) و اصول دیگر را انکار می‌کنند، نمی‌توان با ایشان به گفت و گو نشست؛ بنابراین از آن‌ها سؤال می‌شود که: «اگر می‌دانستید که پدرانتان، دیوانه بوده‌اند آیا باز هم از آنان پیروی می‌کردید؟» پاسخ این پرسش البته که منفی است و هم در این جاست که گفت و گو بر اساس یکی از اصول مسلم، یعنی «ملاک عقل» آغاز می‌گردد، خداوند متعال می‌فرماید:

(۵۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
 «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (۱۷۰ / بقره)؛ چون به ایشان گفته شود که از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید گویند: نه، ما به همان راهی می‌رویم که پدرانمان می‌رفتند حتی اگر پدرانشان بی‌خرد و گمراه بوده‌اند. و نیز می‌فرماید: «وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا «أَنَا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَ آنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ». قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِآهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (۲۳ / زخرف)؛ بدین سان، پیش از تو به هیچ قریه‌ای بیم‌دهنده‌ای نفرستادیم مگر آن که متنعماش گفتند: پدرانمان را بر آیینی یافتیم و به اعمال آن‌ها اقتدا می‌کنیم. گفت: حتی اگر برای شما چیزی بیاورم که از آن چه پدرانتان را بر آن یافته بودید هدایت‌کننده‌تر باشد؟ گفتند: ما به آیینی که شرایط و ادبیات گفت‌وگو برای وحدت از دید قرآن (۵۱) شما بدان فرستاده شده‌اید بی‌ایمانیم. پاسخ طبیعی نیز آن است که «از آنچه هدایت‌گری بیشتری دارد و هدایت‌کننده‌تر است، باید پیروی شود.»

شرایطی وجود دارد که دو طرف باید از آن‌ها برخوردار باشند از جمله آن که «از نظر سطح آگاهی و دانش» دو طرف در حد و اندازه موضوع گفت و گو باشند؛ زیرا گفت و گو درباره موضوعی که هیچ یک یا یکی از دو طرف، سررشته‌ای در آن ندارد و در صورت نیاز به تخصص، متخصص آن نیست، معنایی ندارد. خداوند متعال می‌فرماید: «ها أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجِبْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (۶۶ / آل عمران)؛ شما کسانی هستید که درباره آن چه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید، چرا درباره آن چه وحدت از دیدگاه قرآن و سنت (۵۲) آگاه نیستید، گفتگو می‌کنید؟ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. دیگر این که دو طرف گفت و گو ضمن برخورداری از انصاف، کاملاً «بی طرف» باشند. قرآن کریم در خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که از چنان ایمان مستحکمی برخوردار بود که هیچ کسی تردیدی در آن ندارد - از وی می‌خواهد که با موضع بی طرفی وارد گفت و گو گردد:

«وَإِنَّا أَوْ أِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (۲۴ / سبأ)؛ اینک ما و شما یا در طریق هدایت هستیم یا در گمراهی آشکار.

و نیز در همین زمینه می‌فرماید: «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا اتَّبِعْهُ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۴۹ / قصص)؛ بگو: اگر راست می‌گویید از جانب خداوند کتابی بیاورید که از این دو (مراد تورات و قرآن است) شرایط و ادبیات گفت‌وگو برای وحدت از دید قرآن (۵۳) بهتر راه بنماید تا من هم از آن پیروی کنم.

قرآن کریم به مسلمان می آموزد که بشنود و مقایسه کند آن گاه از بهترین ها، پیروی نماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (۱۷ و ۱۸ / زمر)؛ بندگان مرا بشارت ده، آن کسانی که به سخن گوش می دهند و از بهترین آن پیروی می کنند). نکته ظریف در آیه این است که می گوید «خوب و بد» را بشناسید تا بتوانید «بدتر» را رها و «خوب تر» را انتخاب کنید.

۴- احترام به عقاید دیگران و پرهیز از دشنام

هر دو طرف باید به نظر و عقاید دیگری احترام بگذارند، این مطلب از توجه به لحن برخی آیات قرآنی قابل درک است، مثلاً «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (۵۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (۱۰۸ / انعام)؛ چیزهایی را که آنان به جای الله می خوانند، دشنام دهید که آنان نیز بی هیچ دانشی، از روی کینه توزی به الله دشنام دهند. و نیز: «قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (۲۵ / سبأ)؛ بگو: ما اگر مرتکب جرمی شویم، شما را بازخواست نمی کنند و اگر شما کاری انجام دهید ما را بازخواست نخواهند کرد.

اوج زیبایی این تعبیر در مقایسه دو عبارت «أَجْرَمْنَا» (مرتکب جرم شدیم) از یک سو و «تَعْمَلُونَ» (کاری انجام دهید) از سوی دیگر، نهفته است.

۵- موضوع گفت و گو

موضوع گفت و گو باید عینی و واقعی باشد، چنانچه موضوعی وهمی یا از جمله امور غیر قابل درک برای طرف دیگر باشد، گفت و گو بی ثمر خواهد شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دید قرآن (۵۵) بود، در این حالت، بحث را باید متوقف کرد و به پرسش های مطرح شده، پاسخی

نداد یا پاسخ‌هایی داد که خیلی کلی باشد، آیاتی که در پی می‌آید در همین معنا مطرح شده‌اند:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» (۱۸۹ / بقره) ؛ از تو درباره هلال‌های ماه می‌پرسند بگو برای آن است که مردم وقت کارهای خویش و زمان حج را بشناسند.

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي» (۱۸۷ / اعراف) ؛ درباره قیامت از تو می‌پرسند که چه وقت فرامی‌رسد. بگو: علم آن نزد پروردگار من است.

«وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (۸۵ / اسراء) ؛ تو را از (۵۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

روح می‌پرسند بگو: روح جزئی از فرمان پروردگار من است... .
«وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا» (۱۰۵ / طه) ؛ تو را از کوه‌ها می‌پرسند (که سرنوشت آنها در آستانه قیامت چه می‌شود؟) بگو: پروردگار من همه را پراکنده می‌سازد.

قرآن، همین موضع را در برابر کسانی که اقدام به طرح مسائل جدل‌انگیز یا نه‌چندان جدی می‌کنند، در پیش گرفته است. بر همین اساس ، تنها باید به مسائل عملی و ملموس ، پرداخته شود:

«فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» (۱۷ / رعد) ؛ اما کف به کناری افتد و نابود شود و آنچه برای مردم سودمند است در زمین پایدار بماند...

شرایط و ادبیات گفت‌وگو برای وحدت از دید قرآن (۵۷)

برای آن که گفت و گو برای وحدت اثر مثبتی در پی داشته باشد، باید فضا سازی مناسب قبل از مذاکره فراهم شود.

بهترین مثال در این باره، فضای انفعالی است که مشرکان در برابر پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله پدید آوردند و او را به جنون متهم ساختند؛ در چنین فضایی استدلال کردن در رد این اتهام، معنایی نداشت؛ بنابراین قرآن کریم از آن حضرت می خواهد در وهله اول با حذف چنین فضا و فاصله ای به منظور ایجاد جو تفکر و اندیشه وارد مرحله بعدی شود.

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ» (۴۶ / سبأ)؛ بگو: شما را (۵۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

به یک چیز اندرز می دهم، دو به دو، و یک به یک برای خدا قیام کنید سپس بیندیشید، تا بدانید که در یار شما (مراد پیامبر صلی الله علیه و آله است) دیوانگی نیست. اوست که شما را از آمدن عذابی شدید می ترساند. شرایط و ادبیات گفت و گو برای وحدت از دید قرآن (۵۹)

۷ - شیوه گفت و گو برای تحقق وحدت اسلامی

قرآن کریم، نشانه های برجسته ای از این شیوه را یاد آور می شود؛ از جمله انعطاف پذیری، عدم تعصب در روش ها و سرانجام گزینش بهترین راه ها، خداوند متعال می فرماید:

«أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (۱۲۵ / نحل)؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن؛ زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده اند، آگاه تر است و

هدایت یافتگان را بهتر می‌شناسد .
 «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (۵۳ / اسراء) ؛ و به بندگان من بگو که با
 (۶۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
 یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند...
 «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (۴۶ / عنکبوت) ؛ با اهل کتاب جز به
 نیکوترین شیوه مجادله نکنید...
 نشانه دیگر، رعایت منطق و استدلال درست است به گونه‌ای که بحث مورد نظر بدون از
 این شاخ به آن شاخ پریدن و جدال‌های بی‌فرجام به صورت طبیعی از زمینه چینی و
 مقدمات، به نتیجه‌گیری برسد. آیات قرآنی که از جدل و مناقشه و منازعات لفظی نهی
 می‌کنند فراوانند از جمله به استدلال و برهان فرامی‌خواند و می‌گوید: «قُلْ هَاتُوا
 بُرْهَانَكُمْ» (۶۴ / نمل) ؛ بگو دلایل خود را مطرح سازید.

۸- هدف از گفت و گو

هدف، وصول به گستره‌های مشترک میان دو طرف است که از این آیه
 شرایط و ادبیات گفت‌وگو برای وحدت از دید قرآن (۶۱)
 برداشت می‌شود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ
 وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (۶۴ / آل عمران)، بگو: ای
 اهل کتاب، بیاید از آن کلمه‌ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم، آن که جز
 خدای رانپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از مابعضی دیگر را سوای خدا
 به پرستش نگیرد... (۱).
 وحدت در نگاه امام علی علیه‌السلام
 امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید:
 ۱- درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، محمد علی تسخیری، چاپ

اول.

(۶۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
 «امم پیشین تا مادامی که با هم ید واحده بوده‌اند، همواره در حال پیشرفت و شکوفایی بوده و به عزت و اقتدار و خلافت و وراثت زمین نائل گشته، رهبر و زمامدار جهانیان شده‌اند. و از آن هنگام که خدا را فراموش کرده و به مادیگری روی آورده دچار خودبرتربینی و تعصبات قومی و فرقه‌ای و تشت و پراکندگی گشته، با هم به نبرد پرداخته‌اند؛ خداوند لباس کرامت و عزت و خلافت را از تنشان بیرون آورده و خیر و برکت و وفور نعمت را از آنان سلب و به ذلت و استعمار مبتلا کرده است. به عنوان نمونه کسرها و قیصرها در اثر تفرقه، بر بنی اسرائیل مسلط شدند و آن‌ها را به بردگی گرفتند، و از سرزمین‌های آباد و کناره‌های دجله و فرات به بیابان‌های کم گیاه و بی آب و علف تبعید کردند، و به ذلت و فقر و مسکنت و جهل و پراکندگی دچار ساختند.

وحدت در نگاه امام علی (ع) (۶۳)

خداوند با نعمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسلام، بنی اسماعیل و سایر مسلمانان را متحد و برادر ساخت و پر و بال کرامت خود را بر آن‌ها گشود؛ نهرهای مواهب خود را به سویشان جاری گرداند؛ و آنان را به نعمت و قدرت و عظمت و عزت رساند؛ و حکومتی پایدار نصیبشان ساخت بطوری که کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت. متأسفانه پس از چنین هجرتی باشکوه، مسلمانان به احزاب و فرقه‌های گوناگون تقسیم شدند». (۱)

راه وصول به وحدت

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵ .
 (۶۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ
بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا
بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

مردم (در آغاز) یک دسته بودند (و تضادّی در میان آنها وجود نداشت، به تدریج
جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادّهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال)
خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی
حقّ دعوت می کرد، با آنها نازل نمود تا در میان مردم در آن چه اختلاف داشتند، داوری
کند. (افراد با ایمان در آن اختلاف نکردند) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را
دریافت داشته بودند و نشانه‌های روشن به آنها
راه وصول به وحدت (۶۵)

رسیده بود، به خاطر انحراف از حقّ و ستمگری در آن اختلاف کردند، خداوند آنها را
را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آن چه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش رهبری
نمود (اما افراد بی‌ایمان همچنان در گمراهی و اختلاف باقی ماندند) و خدا هر کس را
بخواهد، به راه راست هدایت می کند. (۲۱۳ / بقره)
« أُمَّةٌ » بنابر نظر « راغب » در « مُفْرَدَات » به معنی هر جماعتی است که نوعی رابطه و
وحدت در میان آنها باشد، خواه وحدت دینی باشد یا وحدت از نظر زمان و
مکان .

در این آیه به سراغ یک بحث اصولی و کلی و جامع در مورد پیدایش دین و
مذهب و اهداف و مراحل هفتگانه آن می رود .
- نخست می فرماید: «انسان‌ها (در آغاز) همه امت واحدی بودند»
(۶۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
(كانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً).

و در آن روز تضادی در میان آنها وجود نداشت ، زندگی بشر و اجتماع او ساده بود ، فطرت‌ها دست‌نخورده و انگیزه‌های هوی و هوس و اختلاف و کشمکش در میان آنها ناچیز بود ، خدا را طبق فرمان فطرت می‌پرستیدند و وظایف ساده خود را در پیشگاه او انجام می‌دادند (این مرحله اول‌زندگانی انسان‌ها بود) که احتمالاً فاصله میان زمان آدم و نوح را پر می‌کرد.

- سپس زندگی انسان‌ها شکل اجتماعی به خود گرفت و می‌باید هم چنین شود ، زیرا انسان برای تکامل آفریده شده و تکامل او تنها در دل اجتماع تأمین می‌گردد (و این مرحله دوم زندگی انسان‌ها بود) .
- ولی به هنگام ظهور اجتماع ، اختلاف‌ها و تضادها به وجود آمد ، چه از راه وصول به وحدت (۶۷)

نظر ایمان و عقیده و چه از نظر عمل و تعیین حق و حقوق هر کس و هر گروه در اجتماع و در این جا بشر تشنه قوانین و تعلیمات انبیاء و هدایت‌های آنها می‌گردد تا به اختلافات او در جنبه‌های مختلف پایان دهد (این مرحله سوم بود).

- « در این جا خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت دهند و انذار کنند » (فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ) (و این مرحله چهارم بود) .

- در این هنگام انسان‌ها با هشدارهای انبیاء و توجه به مبدأ و معاد و جهان دیگر که در آن جا پاداش و کیفر اعمال خویش را درمی‌یابند ، برای گرفتن احکام الهی و قوانین صحیح که بتواند به اختلافات پایان دهد و سلامت جامعه و سلامت انسان‌ها را تأمین کند ، آمادگی پیدا کردند و لذا می‌فرماید : « خداوند با آنها کتاب آسمانی به حق نازل کرد ،

تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند ، وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

حکومت کند » (وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ) .

و به این ترتیب ایمان به انبیاء و تمسک به تعلیمات آنها و کتب آسمانی ، آبی بر آتش

اختلافات فروریخت و آنرا خاموش ساخت (و این مرحله پنجم بود) .
 - این وضع مدتی ادامه یافت ولی کم کم وسوسه‌های شیطانی و امواج خروشان هوای
 نفس ، کار خود را در میان گروهی کرد و با تفسیرهای نادرست تعلیمات انبیاء و کتب
 آسمانی و تطبیق آنها بر خواسته‌های دلشان ، پرچم اختلاف را بار دیگر برافراشتند ولی
 این اختلاف با اختلافات پیشین فرق داشت ، سرچشمه اختلافات پیشین ، جهل و بی‌خبری
 بود که با بعثت انبیاء و نزول کتب آسمانی برطرف گردید ، در حالی که سرچشمه
 اختلافات بعد همان ستمگری و لجاجت و انحراف آگاهانه از راه حقّ و در یک کلمه «
 بَغْيٌ» بود و لذا در ادامه این
 راه وصول به وحدت (۶۹)
 آیه می‌فرماید : « در آن اختلاف نکردند ، مگر کسانی که کتاب آسمانی را دریافت
 داشته بودند و بینات و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود ، آری آنها به خاطر
 انحراف از حقّ و ستمگری در آن اختلاف کردند » (وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ الاَّ
 الَّذِينَ اَوْتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ) (و این مرحله ششم بود) .
 - در این جا مردم به دو گروه تقسیم شدند ؛ مؤمنان راستین که در برابر حق تسلیم بودند
 ، آنها برای پایان دادن به اختلافات جدید ، به کتب آسمانی و تعلیمات انبیاء بازگشتند
 و به حق رسیدند و لذا می‌فرماید : « خداوند ، مؤمنان از آنها را به حقیقت آنچه در
 آن اختلاف داشتند ، به فرمان خود هدایت فرمود » (در حالی که افراد بی‌ایمان و ستمگر
 و خودخواه همچنان در گمراهی و اختلاف باقی ماندند) (فَهَدَى اللّهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا
 لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهِ) (و
 وحدت از دیدگاه قرآن و سنت (۷۰)
) و این مرحله هفتم بود (.
 و در پایان آیه می‌فرماید : « خداوند هر که را بخواهد (و لایق ببیند) ، به راه
 مستقیم هدایت می‌کند » (وَ اللّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) .

اشاره به این که مشیت الهی که آمیخته با حکمت او است ، گزاف و بی حساب نیست و از هرگونه تبعیض ناروا برکنار است. تمام کسانی که دارای نیت پاک و روح تسلیم در برابر حقّند ، مشمول هدایت‌های او می‌شوند ، اشتباهات عقیدتی آنها اصلاح می‌گردد و از روشن‌بینی‌های مخصوصی برخوردار می‌شوند ، بر توفیق آنان برای یافتن راه راست می‌افزاید و آنها را از اختلافات و مشاجرات دنیاپرستان بی‌ایمان برکنار می‌دارد و آرامش‌روح و اطمینان‌خاطر و سلامت جسم و جان به آنها می‌بخشد. (۱)

راه وصول به وحدت (۷۱)

«بنابراین تمسک به رهنمود واحد پیامبران الهی و کنار گذاشتن روحیه فرصت‌طلبی و زیاده‌خواهی تنها راه وصول به وحدت اسلامی است» .

دعوت به سوی وحدت

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ
لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا
فَقُولُوا أَشْهَدُوا بِأَنَا مُسْلِمُونَ

بگو : ای اهل کتاب ، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است ، که

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۲ ، ص ۲۶۰ تا ۲۶۶ .

(۷۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما ، بعضی دیگر غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرید ، هرگاه (از این دعوت) سر باز زنند، بگویید : گواه باشید که ما مسلمانییم. (۶۴ / آل عمران)

در واقع قرآن با این طرز استدلال به ما می‌آموزد ، اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدس با شما همکاری کنند ، بکوشید لا اقل در اهداف مهم مشترک ، همکاری آنها

را جلب کنید و آن را پایه‌ای برای پیش‌برد اهداف مقدّستان قرار دهید

آیه فوق یک‌ندای وحدت در برابر تمام مذاهب آسمانی است، به مسیحیان می‌گوید: شما مدّعی «توحید» هستید و حتّی می‌گویید: مسأله «تثلیث» (اعتقاد به خدایان سه‌گانه) منافاتی با توحید ندارد و لذا قائل به وحدت در تثلیث می‌باشید.

دعوت به سوی وحدت (۷۳)

و همچنین یهود در عین سخنان شرک‌آمیز، «عزیر» را فرزند خداپنداشتند، مدّعی توحید بوده هستند.

قرآن به همه آن‌ها اعلام می‌کند: ما و شما در اصل توحید مشترک هستیم، بیاید دست به دست هم داده، این اصل مشترک را بدون هیچ پیرایه‌ای زنده کنیم و از تفسیرهای نابه‌جا که نتیجه آن، شرک و دوری از توحید خالص است، خودداری نماییم. (۱)

دعوت به سوی اتحاد

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۳، ص ۳۰۶ تا ۳۰۸ .
(۷۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت) چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد، این چنین خداوند آیات

خود را برای شما آشکاری سازد ، شاید پذیرای هدایت شوید. (۱۰۳ / آل عمران)
 درباره این که منظور از « بِحَبْلِ اللَّهِ » (ریسمان الهی) چیست ؟ باید گفت: منظور
 دعوت به سوی وحدت (۷۵)

از هرگونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند است، خواه این وسیله ، اسلام باشد ، یا
 پیامبر و اهل بیت او. نکته جالب این که تعبیر از این امور به «حَبْلُ اللَّهِ» در واقع اشاره به
 یک حقیقت است ، که انسان در شرایط عادی و بدون داشتن مربی و راهنما ، در قعر دره
 طبیعت و چاه تاریک غرایز سرکش و جهل و نادانی باقی خواهد ماند و برای نجات از
 این دره و برآمدن از این چاه نیاز به رشته و ریسمان محکمی دارد که به آن چنگ بزند
 و بیرون آید ، این رشته محکم همان ارتباط با خدا از طریق قرآن و آورنده قرآن و
 جانشینان واقعی او می باشد ، که مردم را از سطوح پایین و پست بالا برده و به آسمان
 تکامل معنوی و مادی می رسانند .

سپس قرآن به نعمت بزرگ اتحاد و برادری اشاره کرده و مسلمانان را به تفکر در وضع
 اندوهبار گذشته و مقایسه آن « پراکندگی » با این « وحدت » دعوت
 (۷۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

می کند و می گوید : « فراموش نکنید که در گذشته چگونه با هم دشمن بودید ولی
 خداوند در پرتو اسلام و ایمان دل های شما را به هم مربوط ساخت و شما دشمنان
 دیروز ، برادران امروز شدید : وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ
 بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا » .

جالب توجه این که کلمه « نعمت » را دوبار در این جمله تکرار کرده و به این طریق اهمیت
 موهبت اتفاق و برادری را گوشزد می کند .

نکته دیگر این که مسأله تألیف قلوب مؤمنان را به خود نسبت داده ، می گوید : «خدا
 در میان دل های شما الفت ایجاد» و باین تعبیر ، اشاره به یک معجزه اجتماعی اسلام شده
 ، زیرا اگر سابقه دشمنی و عداوت پیشین عرب را درست دقت کنیم که چگونه کینه های

ریشه‌دار در طول سال‌های متمادی در دل‌های آن‌ها انباشته دعوت به سوی وحدت (۷۷) شده بود و چگونه یک موضوع جزئی و ساده کافی بود آتش جنگ خونینی در میان آن‌ها بیفزود مخصوصاً با توجه به این که مردم نادان و بی‌سواد و نیمه وحشی معمولاً افرادی لجوج و انعطاف ناپذیرند و به آسانی حاضر به فراموش کردن کوچک‌ترین مسایل گذشته نیستند، در این صورت اهمیت این « معجزه بزرگ اجتماعی » اسلام آشکار می‌شود و ثابت می‌گردد که از طرق عادی و معمولی امکان‌پذیر نبود که در طی چند سال، از چنان ملت پراکنده و کینه‌توز و نادان و بی‌خبر، ملتی واحد و متحد و برادر بسازند.

سپس قرآن می‌گوید: « شما در گذشته در لبه گودالی از آتش بودید که هر آن ممکن بود در آن سقوط کنید و همه چیز شما خاکستر گردد » اما خداوند شما را نجات داد و از این پرتگاه به نقطه امن و امانی که همان نقطه برادری و محبت (۷۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت بود رهنمون ساخت: (وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا) . منظور از « نار » کنایه از جنگ‌ها و نزاع‌هایی بوده که هر لحظه در دوران جاهلیت به بهانه‌ای در میان اعراب شعله‌ور می‌شد، قرآن مجید با این جمله اوضاع خطرناک عصر جاهلیت را منعکس می‌سازد، که هر لحظه خطر جنگ و خونریزی آن‌ها را تهدید می‌کرد و خداوند در پرتو نور اسلام آن‌ها را از آن وضع نجات داد و مسلماً با نجات یافتن از وضع خطرناک گذشته از آتش سوزان دوزخ نیز نجات یافتند (۱).

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۴، ص ۳۰ تا ۳۵ .
دعوت به سوی وحدت (۷۹)

(۸۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

عذاب عظیم در انتظار اختلاف‌گرایان

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، (آن هم) پس از آن که نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آن‌ها عذاب عظیمی دارند. (۱۰۵) / آل‌عمران

نتیجه فوری اختلاف و نفاق ذلت و خواری است و سر ذلت و خواری هر ملت را در اختلاف و نفاق آنان باید جستجو کرد ، جامعه‌ای که اساس قدرت و ارکان همبستگی‌های آن با تیشه‌های تفرقه درهم کوبیده شود ، سرزمین آنان برای همیشه جولانگاه بیگانگان و قلمرو حکومت استعمارگران خواهد بود ، عذاب عظیم در انتظار اختلاف‌گرایان (۸۱)

راستی چه عذاب بزرگی است .
يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ آيْمَانِكُمْ فَادُّوهُم بِالْعَذَابِ بِمَا كَفَرْتُمْ تَكْفُرُونَ

(آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌گردد، اما آن‌ها که صورت‌هایشان سیاه شده ، (به آن‌ها گفته می‌شود :) آیا بعد از ایمان ، (و اخوت و برادری در سایه آن ،) کافر شدید ؟ پس بچشید عذاب را ، به سبب آن چه کفر می‌ورزیدید. (۱۰۶) / آل‌عمران

همان‌طور که ایمان و اتحاد در این جهان مایه روسفیدی است و به عکس ، ملت پراکنده و بی‌ایمان مردمی روسیاهند ، در جهان دیگر این روسیاهی و روسفیدی « مجازی » دنیا ، شکل « حقیقی » به خود می‌گیرد و صاحبان آن‌ها با چهره‌های

(۸۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت سفید و درخشان و یا سیاه و تاریک محشور می گردند. (۱)

بازگشت به قرآن عامل وحدت است

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای این که آن چه را در آن اختلاف دارند برای آن ها تبیین کنی و مایه رحمت است برای گروهی که ایمان دارند. (۶۴ / نحل)
قرآن وسوسه های شیطان را از دل آن ها می زداید ، پرده های فریبنده نفس اماره و شیطان صفتان را از چهره حقایق کنار می زند ، خرافات و جنایاتی که در
۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۴، ص ۴۰ تا ۴۴ .
بازگشت به قرآن عامل وحدت است (۸۳)
زیر ماسک های فریبنده پنهان شده آشکار می سازد ، اختلافاتی را که در سایه هوی و هوس پدید آمده برمی چیند ، به قساوت ها پایان می دهد و نور هدایت و رحمت را در همه جا می پاشد. (۱)

تخریب نمادهای تفرقه

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَارْصَادًا
لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَكَيْلًا لِنَا أَلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ
يَشْهَدُ أَنَّهُمْ
لَكَاذِبُونَ

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۴، ص ۲۲۳ تا ۲۲۴ .

(۸۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت (گروهی دیگر از منافقین) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به

مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود، آنها سوگند یاد می کنند که نظری جز نیکی (و خدمت) نداشته ایم، اما خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند. (۱۰۷ / توبه)

آیه دربارہ گروهی دیگر از منافقان است که برای تحقق بخشیدن به نقشه های شوم

خود اقدام به ساختن مسجدی در مدینه کردند که بعداً به نام «مسجد ضرار» معروف شد.

خلاصه جریان به طوری که از تفاسیر و احادیث مختلف استفاده می شود، چنین است؛ گروهی از منافقان نزد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آمدند و عرض کردند: به ما اجازه ده مسجدی در میان قبیله بنی سالم (نزدیک مسجد قبا) بسازیم تا افراد تخریب نمادهای تفرقه (۸۵)

ناتوان و بیمار و پیر مردان از کار افتاده در آن نماز بگذارند و همچنین در شب های بارانی که گروهی از مردم توانایی آمدن به مسجد شما را ندارند، فریضه اسلامی خود را در آن انجام دهند، و این در موقعی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله عازم جنگ تبوک بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها اجازه داد، ولی آنها اضافه کردند: آیا ممکن است شخصاً بیایید و در آن نماز بگذارید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من فعلاً عازم سفرم و هنگام بازگشت به خواست خدا به آن مسجد می آیم و در آن نماز می گزارم.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از تبوک بازگشت، نزد او آمدند و گفتند: اکنون تقاضا داریم به مسجد ما بیایی و در آنجا نماز بگذاری و از خدا بخواهی ما را برکت دهد و این در حالی بود که هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله وارد دروازه مدینه نشده بود.

در این هنگام پیک وحی خدا نازل شد و آیات فوق را آورد و پرده از اسرار کار وحدت از دیدگاه قرآن و سنت (۸۶)

آن‌ها برداشت و به دنبال آن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور داد مسجد مزبور را آتش زنند و بقایای آن را ویران کنند و جای آن را محل ریختن زباله‌های شهر سازند . اگر به چهره ظاهری کار این گروه نگاه کنیم ، از چنین دستوری در آغاز دچار حیرت خواهیم شد، مگر ساختن مسجد، آن هم برای حمایت از بیماران و پیران و مواقع اضطراری که درحقیقت هم یک خدمت دینی است و هم یک خدمت انسانی، کار بدی است، که چنین دستوری درباره آن صادر شده است . اما هنگامی که چهره باطنی مسأله را بررسی کنیم ، خواهیم دید این دستور چه قدر حساب شده بوده است (۱).

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۶۳ تا ۶۵ .
تخریب نمادهای تفرقه (۸۷)

بتخانه‌ای در چهره مسجد

« ضرار » به معنی زیان رساندن تَعْمُدٌ است . این آیه می‌گوید: « گروهی دیگر از آن‌ها مسجدی در مدینه اختیار کردند » که هدف‌های شومی زیر این نام مقدس نهفته بود (وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا) . هدف‌های آن‌ها برای ساخت مسجد در چهار بند زیر خلاصه می‌شود ؛ - منظور آن‌ها این بود که با این عمل ضرر و زیانی به مسلمانان برسانند (ضرارا)

آن‌ها درواقع درست به عکس آنچه ادعا داشتند که هدفشان تأمین منافع (۸۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مسلمانان و کمک به بیماران و از کارافتادگان است ، می‌خواستند با این مقدمات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را نابود و مسلمانان را درهم بکوبند و حتی اگر توفیق یابند ، نام اسلام را از صفحه جهان براندازند .

- تقویت مبانی کفر و بازگشت دادن مردم به وضع قبل از اسلام (وَ كُفْرًا) .

- ایجاد تفرقه در میان صفوف مسلمانان، زیرا با اجتماع گروهی در این مسجد ، مسجد « قبا » که نزدیک آن بود و یا مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که از آن فاصله داشت ، از رونق می افتاد (وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ) .

- آخرین هدف آن ها این بود که مرکز و کانونی برای کسی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بود و سوابق سوئس بر همگان روشن بود ، بسازند تا از این پایگاه نفاق ، برنامه های خود را عملی سازند (وَ اِرْصَادًا

بتخانه ای در چهره مسجد (۸۹)

لَمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ) .

ولی عجیب این است که تمام این اغراض سوء و اهداف شوم را در یک لباس زیبا و ظاهر فریب پیچیده بودند، «حتی سوگند یاد می کردند که ماجزینکی ، قصد و نظر دیگری نداشتیم » (وَ لِيَحْلِفُنَّ اِنْ اَرَدْنَا اِلَّا الْحُسْنَى).

و این است آیین منافقان در هر عصر و زمان که علاوه بر استتار در پرده های ظاهرا زیبا متوسل به انواع سوگندهای دروغین برای منحرف ساختن افکار عمومی می شوند .

ولی قرآن اضافه می کند ؛ « خداوندی که از اسرار درون همه آگاه است و غیب و شهود برایش یکسان می باشد ، گواهی می دهد که به طور مسلم آن ها دروغگو هستند » (وَ اللَّهُ يَشْهَدُ اَنَّهُمْ لَكَاٰذِبُونَ) . (۱)

(۹۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکنید

مسلمان کسی است که نفاق و منافق را در هر زمان ، در هر مکان ، و در هر لباس و چهره بشناسد حتی اگر در چهره دین و مذهب و در لباس

طرفداری از قرآن و مسجد بوده باشد .
استفاده از «مذهب برضد مذهب» چیز تازه‌ای نیست ، همواره راه و رسم استعمارگران و دستگاه‌های جبار و منافقان در هر اجتماعی این بوده که اگر مردم گرایش خاصی به مطالبی دارند ، از همان گرایش برای اغفال و سپس
۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۶۹ تا ۷۱ .
تنها به قیافه‌های حق به جانب اعتماد نکنید (۹۱)
استعمار آن‌ها استفاده کنند و حتی از نیروی مذهب برضد مذهب کمک بگیرند.
اصولاً فلسفه ساختن پیامبران قلابی و مذاهب باطل همین بوده که از این راه گرایش‌های مذهبی مردم را در مسیر دلخواهشان بیندازند .
بدیهی است در محیطی مانند « مدینه » آن‌هم در عصر پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله با آن نفوذ فوق‌العاده اسلام و قرآن ، مبارزه آشکار بر ضد اسلام ممکن نبود ، بلکه باید لامذهبی را در لفافه مذهب و باطل را در لباس حق بیچند و عرضه کنند تا مردم ساده‌دل جذب شوند و نیات سوء آن‌ها لباس عمل به خود بپوشد. ولی مسلمان راستین کسی نیست که آن‌چنان سطحی باشد که فریب این گونه ظواهر را بخورد ، باید با دقت در عوامل و دست‌هایی که برای این گونه برنامه‌ها شروع به کار می‌کند و بررسی قرائن دیگر به ماهیت اصلی پی ببرد
(۹۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
و چهره باطنی افراد را در پشت چهره ظاهری ببیند .
مسلمان کسی نیست که هر ندایی از هر حلقومی برخاست ، همین اندازه که ظاهراً حق به جانب باشد ، بپذیرد و به آن لبیک گوید ، مسلمان کسی نیست که هر دستی به سویش دراز شد ، آن را بفشارد و هر حرکت ظاهراً دینی را مشاهده کرد ، با آن همگام شود و هر کسی پرچمی به نام مذهب برافراشت ، پای آن سینه زند و هربنایی به نام مذهب ساخته شد، به سوی آن جذب گردد .

مسلمان باید هوشیار ، آگاه ، واقع بین ، آینده نگر و اهل تجزیه و تحلیل در همه مسائل اجتماعی باشد .

دیوان را در لباس فرشته شناسد ، گرگ ها را در لباس چوپان تشخیص دهد و خود را برای مبارزه با این دشمنان ظاهرا تنها به قیافه های حق به جانب اعتماد نکند (۹۳) دوست آماده سازد.

یک اصل اساسی در اسلام این است که باید قبل از همه چیز نیت بررسی شود و ارزش هر عملی بستگی به نیت آن دارد نه به ظاهر آن ، گرچه نیت یک امر باطنی است اما ممکن نیست کسی نیتی در دل داشته باشد، اثر آن در گوشه و کنار عملش ظاهر نشود، هر چند در پرده پوشی فوق العاده استاد و ماهر باشد. از این جا جواب این سؤال روشن می شود که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله با آن عظمت مقام دستور داد مسجد یعنی خانه خدا را آتش بزنند و مسجدی که یک ریگ آن را نمی توان بیرون برد ، ویران سازند و مکانی را که اگر آلوده شود ، باید فوراً تطهیر کنند ، مزبله گاه شهر سازند .

پاسخ همه این سؤال ها یک مطلب است و آن این که مسجد ضرار ، مسجد (۹۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

نبود ، در واقع بتخانه بود ، مکان مقدس نبود ، «کانون تفرقه و نفاق بود» ، خانه خدا نبود بلکه خانه شیطان بود و هرگز اسم و عنوان ظاهری و ماسک ها ، واقعیت چیزی را دگرگون نمی سازد .

این درس بزرگی بود که داستان مسجد ضرار به همه مسلمانان برای همه اعصار و قرون داد .

از این بحث این موضوع نیز روشن می شود که اهمیت اتحاد در میان صفوف مسلمین در نظر اسلام به قدری زیاد است که حتی اگر ساختن مسجدی در کنار مسجد دیگر

باعث ایجاد تفرقه و اختلاف و شکاف در میان صفوف مسلمانان گردد، آن مسجد تفرقه‌انداز نامقدس است (۱).
 ۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۷۷ تا ۸۰.
 تنها به قیافه‌های حق به جانب اعتماد نکنید (۹۵)

تفرقه هم ردیف عذاب‌های آسمانی

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَيَّا أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ
 بگو او قادر است که عذابی از طرف فوق یا از زیر پای شما بر شما بفرستد یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (و ناراحتی) را به هریک از شما به وسیله دیگری بچشاند، بین چگونه آیات گوناگون را برای آن‌ها بازگو می‌کنیم شاید بفهمند (و بازگردند). (۶۵ / انعام)
 مسئله اختلاف کلمه و پراکندگی در میان مردم به قدری خطرناک است که در (۹۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
 ردیف عذاب‌های آسمانی و صاعقه‌ها و زلزله‌ها قرار گرفته است و راستی چنین است، بلکه گاهی ویرانی‌های ناشی از اختلاف و پراکندگی به درجات بیشتر از ویرانی‌های ناشی از صاعقه‌ها و زلزله‌ها است، کرارا دیده شده است کشورهای آباد در سایه شوم نفاق و تفرقه به نابودی مطلق کشیده شده است و این جمله هشدار است به همه مسلمانان جهان.

این که آیه مورد بحث می‌گوید: خداوند تفرقه در میان شما بیفکند نه به این معنی است که خداوند بی‌جهت مردم را گرفتار نفاق و اختلاف می‌کند بلکه این نتیجه اعمال سوء مردم و خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها و سودجویی‌های شخصی است که نتیجه آن به صورت نفاق و تفرقه بروز می‌کند و نسبت دادن آن به خدا به خاطر آن

است که او چنین اثری را در این تفرقه هم ردیف عذابهای آسمانی (۹۷) اعمال زشت قرار داده است. (۱)

تفرقه نشانه شرک است

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن ، این فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش خدا نیست، این است دین و آیین محکم و استوار ، ولی اکثر مردم نمی دانند .

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۷، ص ۲۵۰ تا ۲۵۲ .

(۹۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

مُنْبِئِينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

این باید در حالی باشد که شما بازگشت به سوی او کنید و از او پرهیزید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید .

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند و (عجیب این که) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست ، (دل بسته و) خوشحالند. (۳۰ تا ۳۱ / روم)

«یکی از نشانه‌های شرک ، پراکندگی و تفرقه است ، چراکه معبودهای مختلف منشأ روش‌های متفاوت و سرچشمه جدایی‌ها و پراکندگی‌ها است»، به خصوص این که شرک همواره توأم با هوای نفس و تعصب و کبر و خودخواهی و

تفرقه نشانه شرک است (۹۹)

خودپسندی و مولود آن است ، لذا اتحاد و وحدت جز در سایه خداپرستی و عقل و تواضع و ایثار امکان پذیر نیست .
 بنابراین هر جا اختلاف و پراکندگی دیدیم ، باید بدانیم نوعی شرک حاکم است ، این موضوع را به صورت نتیجه می توان بازگو کرد که نتیجه شرک ، جدایی صفوف ، تضاد ، هدر رفتن نیروها و سرانجام ضعف و زبونی و ناتوانی است . (۱)

وحدت ثمره توحید است

وَ اِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ
 ۱- تفسیر جوان، محمد بیستونوی، چاپ اول، ج ۱۰۴، ص ۳۰ تا ۱۰۹

(۱۰۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت همه شما امت واحدی هستید و من پروردگار شما هستم ، از مخالفت فرمان من بپرهیزید. (۵۲ / مؤمنون)
 آیه فوق به وحدت و یگانگی جامعه انسانی و حذف هرگونه تبعیض و جدایی دعوت می کند، همان گونه که او پروردگار واحد است ، انسان ها نیز امت واحد هستند

به همین دلیل مردم از یک برنامه پیروی کنند ، همان گونه که پیامبران نیز به آیین واحدی دعوت می کردند که اصول و اساس آن همه جا یکی بود ؛ توحید و شناسایی حق ، توجه به معاد و زندگی تکاملی بشر و استفاده از طیبات و انجام اعمال صالح ، و حمایت از عدالت و اصول انسانی .
 اَثَارِهِمْ مُّقْتَدُونَ : ما پدران خود را بر مذهبی یافتیم و از آنها پیروی
 وحدت ثمره توحید است (۱۰۱)
 می کنیم « (۲۳ / زخرف) .

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

اما آنها کارهای خود را به پراکندگی کشاندند و هر گروهی به راهی رفتند (و عجب این که هر گروه به آنچه نزد خود دارند، خوشحالند. (۵۳ / مؤمنون) (۱)

اختلاف در این جا عبارت است از تکه پاره شدن یک جامعه یا پیروان یک دین به طوری که در آن جامعه، احزاب پیدا بشوند. تحزب، یا حزب بازی، این است که جمعیتی تا پای جان در برابر هدف و مرامی که دارد ایستاده و از آن دفاع کند. یک حزب دیگر هم، همین جور، بنابراین در این آیه آن نوع از اختلاف را مذمت می کند،

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۸، ص ۶۳ تا ۶۴ .

(۱۰۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

که باعث تقطع، تکه پاره شدن امت و حزب، حزب شدن آنان باشد، و هر حزبی به مرام خود و آنچه نزدش محترم است، شاد باشد و سرمست، یعنی هر ØQŪŠ خودشان را حق بدانند، به آنان مباحات کنند، و فکر دیگران را مردود شمارند: «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» .

پس در این جا اختلافی که مذمت شده، در قبال وحدت، عبارت است از: تقطع، تکه پاره شدن و حزب، حزب شدن. این اختلاف را قرآن منع کرده و حرام دانسته است. در حقیقت این اختلاف، مرضی است که دامن گیر مسلمانان شده و باید آن را معالجه کرد، تا مسلمانانها از «تحزب و تقطع» نجات یابند. (۱)

۱- ندای وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ص ۶۵.

وحدت ثمره توحید است (۱۰۳)

اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه

قَالَ يَا هَرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

گفت: ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند .

أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي .
 از من پیروی نکردی ؟ آیا فرمان مرا عصیان نمودی .
 منظور از جمله « أَلَا تَتَّبِعَنِ » این است که چرا از روش و سنت من در شدت عمل نسبت
 به بت پرستی پیروی نکردی .
 قَالَ يَا بَنِيَّ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ
 (۱۰۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
 بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي
 گفت: ای فرزند مادرم ، ریش و سر مرا مگیر، من ترسیدم بگویی تو میان
 بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا به کار نبستی. (۹۲ تا ۹۳ / طه)
 موسی با شدت و عصبانیت هرچه تمام تر این سخنان را با برادرش می گفت و بر
 او فریاد می زد ، در حالی که ریش و سر او را گرفته بود و می کشید .
 هارون که ناراحتی شدید برادر را دید ، برای این که او را بر سر لطف آورد و از التهاب
 او بکاهد و ضمناً عذر موجه خویش را در این ماجرا بیان کند ، گفت : « فرزند مادرم !
 ریش و سر مرا مگیر، من فکر کردم که اگر به مبارزه برخیزم و درگیری پیدا کنم ، تفرقه
 شدیدی در میان بنی اسرائیل می افتد و از این ترسیدم که تو به هنگام بازگشت بگویی
 چرا در میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و سفارش مرا در
 اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه (۱۰۵)
 غیاب من به کار نبستی ». (۱)

زشتی تفرقه و نفاق

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم
 بِمَا كَانُوا
 کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و به دستجات گوناگون (ومذاهب مختلف)

تقسیم شدند ، هیچ گونه ارتباطی با آن‌ها نداری ، کار آن‌ها واگذار به خدا است ، پس خدا آن‌ها را از آنچه انجام می‌دادند ، باخبر می‌کند. (۱۵۹ / انعام)

۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۶، ص ۲۹۰ تا ۲۹۱ .

(۱۰۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

محتوای آیه یک حکم عمومی و همگانی درباره تمام افراد تفرقه‌انداز است که با ایجاد انواع بدعت‌ها میان بندگان خدا، بذر نفاق و اختلاف می‌پاشند ، اعم از آن‌ها که در امت‌های پیشین بودند یا آن‌ها که در این امت هستند .

این آیه بار دیگر این حقیقت را که اسلام ، آیین وحدت و یگانگی است و از هرگونه نفاق و تفرقه و پراکندگی بیزار است ، با تأکید تمام بازگو می‌کند و به پیامبر می‌گوید :

برنامه و کار تو هیچ‌گونه شباهتی با افراد تفرقه‌انداز ندارد ، خداوند منتقم قهار از آنان انتقام خواهد گرفت و عاقبت شوم اعمالشان را به آن‌ها نشان می‌دهد . توحید نه تنها یکی از اصول اسلام است ، بلکه تمام اصول و فروع اسلام و همه برنامه‌های آن بر محور توحید دور می‌زند ، توحید روحی است در کالبد همه تعلیمات اسلام، توحید جانی است که در پیکر اسلام دمیده شده است .

زشتی تفرقه و نفاق (۱۰۷)

اما با نهایت تأسف آیینی که سر تا پای آن را وحدت و یگانگی تشکیل می‌دهد ، امروز آن‌چنان دستخوش تفرقه نفاق‌افکنان شده است که چهره اصلی خود را به کلی از دست داده ، هر روز نغمه شومی همانند صدای جغدی که در ویرانه می‌خواند ، از گوشه‌ای بلند می‌شود و شخصی ماجراجو یا مبتلا به بیماری روانی و یا کج‌سلیقه‌ای پرچم مخالفت با یکی از برنامه‌های اسلامی بلند می‌کند و جمعی از افراد ابله و نادان را گرد خود جمع می‌نماید و منشأ اختلاف تازه‌ای می‌شود . نقش بی‌اطلاعی و جهل و نادانی جمعی از توده مردم در این نفاق‌افکنی، مانند نقش بیداری و آگاهی دشمنان، بسیار مؤثر است . گاهی مسائلی را که قرن‌ها موضوع بحث آن گذشته است

، از نو علم می‌کنند و جار و جنجال ابلهانه‌ای پیرامون آن راه می‌اندازند تا افکار (۱۰۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت مردم را به خود مشغول سازند، اما همان‌طور که آیه فوق می‌گوید، اسلام از آن‌ها بیگانه است و آن‌ها نیز از اسلام بیگانه‌اند و سرانجام برنامه‌های نفاق‌افکنی شکست خواهد خورد. (۱) (۲)

رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ...
 و اطاعت (فرمان) خدا و پیامبرش نمایید و نزاع (و کشمکش) نکنید تا
 ۱- شرح بیشتر در «تفسیر نمونه»، جلد ۳، صفحه ۴۲ و ۴۳ آمده است.
 ۲- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۸، ص ۱۲۹ تا ۱۳۲.
 رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی (۱۰۹)
 سست نشوند و قدرت (و شوکت و هیبت) شما از میان نرود... (۴۶ / انفال)
 یکی دیگر از مهم‌ترین برنامه‌های مبارزه توجّه به مسأله رهبری و اطاعت از دستور پیشوا
 و رهبر است همان دستوری که اگر انجام نمی‌گرفت جنگ بدر به شکست کامل
 مسلمانان منتهی می‌شد، لذا در آیه بعد می‌گوید: «و اطاعت خدا و
 پیامبرش کنید» (وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ).
 «و از پراکندگی و نزاع پرهیزید» (وَ لَا تَنَزَعُوا).
 «زیرا کشمکش و نزاع و اختلاف مجاهدان در برابر دشمن نخستین
 اثرش سستی و ناتوانی و ضعف در مبارزه است» (فَتَفْشَلُوا).
 «و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوّت و هیبت و عظمت شماست» (وَ
 تَذْهَبَ رِيحُكُمْ).
 (۱۱۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

« ریح » به معنی باد است و این که می گوید : اگر به نزاع با یکدیگر برخیزید سست می شوید و به دنبال آن باد شما را از میان خواهد برد اشاره لطیفی به این معنی است که قوت و عظمت و جریان امور بر وفق مراد و مقصودتان از میان خواهد رفت زیرا همیشه وزش بادهای موافق سبب حرکت کشتی ها به سوی منزل مقصود بوده است و در آن زمان که تنهانیروی محرک کشتی وزش باد بود این مطلب فوق العاده اهمیت داشت.

به علاوه وزش باد به پرچم ها نشانه برپا بودن پرچم که رمز قدرت و حکومت است می باشد و تعبیر فوق کنایه ای از این معنی است (۱).
 ۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۱۰، ص ۴۴ تا ۴۶ .
 رابطه اقتدار ملی با وحدت اسلامی (۱۱۱)

مذهب عامل وحدت است

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِّبَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ
 آن ها پراکنده نشدند مگر بعد از علم و آگاهی و این تفرقه جویی به خاطر انحراف از حق بود (و عداوت و حسد) و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر نشده بود که آن ها تا سرآمد معینی زنده و آزاد باشند، خداوند در میان آن ها داوری می کرد و کسانی که بعد از آن ها وارثان کتاب شدند از آن در شک و تردیدند ، شکی توأم بابدینی و سوء ظن.

(۱۴) / (شوری)

(۱۱۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

این آیه به پاسخ این سؤال پرداخته ، سرچشمه اصلی اختلافات دینی را بیان می کند .

سرچشمه اختلاف های مذهبی جهل و بی خبری نبود ، بلکه بغی و ظلم و انحراف از حق

و اعمال نظرهای شخصی بود .
 « دانشمندان دنیا طلب » و « عوام‌های متعصب و کینه توز » دست به دست هم دادند و این اختلافات را بنیان نهادند .
 این آیه پاسخ روشنی است به آن‌ها که می‌گویند مذهب در میان بشر ایجاد اختلاف کرده و خونریزی‌های فراوانی در طول تاریخ بار آورده است ، زیرا اگر دقت شود ، مذهب همیشه عامل وحدت و یکپارچگی در محیط خود بوده (همان گونه که در مورد اسلام و قبایل حجاز و حتی مذهب عامل وحدت است (۱۱۳) اقوام خارج از جزیره عرب تحقق یافت و به اختلافات پایان و امت واحدی ساخت . ولی سیاست‌های استعماری در میان مردم تفرقه ایجاد کرد ، به اختلافات دامن زده و مایه خونریزی‌ها شده است . افزودن سلیقه‌های شخصی و تحمیل آن بر مذاهب آسمانی خود یک عامل بزرگ دیگر تفرقه بود که آن هم از «بغی» مایه می‌گرفت (۱).
 ۱- تفسیر جوان ، محمد بیستونی ، چاپ اول ، ج ۲۵ ، ص ۶۳ تا ۶۵ .
 (۱۱۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

تفرقه عامل شکست ملت‌هاست

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ
 ما بنی اسرائیل را کتاب آسمانی و حکومت و نبوت بخشیدیم و از روزی‌های پاک به آن‌ها عطا کردیم و آن‌ها را بر جهانیان (و مردم عصر خویش) برتری بخشیدیم . (۱۶ / جاثیه)
 وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيَابِينَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي

بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

و دلایل روشنی از امر نبوت و شریعت در اختیار آن‌ها قرار دادیم، آن‌ها اختلاف نکردند، مگر بعد از علم و آگاهی، و این اختلاف به خاطر ستم و تفرقه عامل شکست ملت‌هاست (۱۱۵)

برتری جویی بود، اما پروردگارت روز قیامت در میان آن‌ها در آن‌چه اختلاف داشتند، داوری می‌کند. (۱۶ و ۱۷ / جاثیه)

با وجود این مواهب بزرگ و دلایل بین و روشن، جایی برای اختلاف وجود نداشت، ولی این کفران‌کنندگان به زودی دست به اختلاف زدند.

آن‌ها پرچم طغیان برافراشتند و هر گروهی به جان گروه دیگری افتاد، حتی عوامل وحدت و انسجام را وسیله اختلاف و تفرقه قرار دادند و به دنبال آن قدرتشان به ضعف گرایید، ستاره عظمتشان افول کرد، حکومتشان متلاشی شد و دردنیادربه‌در شدند. (۱).
۱- تفسیر جوان، محمد بیستونی، چاپ اول، ج ۲۵، ص ۳۷۴ تا ۳۷۷.
(۱۱۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی

«وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَ نُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا»

«و هر کس بعد از آنکه حق برایش روشن شد مخالفت رسول کند و روشی غیر راه مؤمنین اتخاذ نماید، وی را به همان وضعی که دوست دارد واگذاریم و به جهنم در آریم که چه بد سرانجامی است!» (۱۱۵ / نساء)

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی (۱۱۷)
 «خدا به هیچ وجه نمی‌بخشد که به او شرک آورند، و گناهان کوچکتر از آن را از هر کس بخواهد می‌بخشد و هر که به خدا شرک بورزد به گمراهی افتاده است.»
 (۱۱۶) / (نساء)

مشاقه کردن با رسول خدا، آن هم بعد از آن که راه هدایت روشن و مشخص شده معنائی جز مخالفت کردن با رسول، و از اطاعتش سرپیچی کردن ندارد. چون اطاعت رسول، اطاعت خدای تعالی است - «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (۸۰) / (نساء)

پس سبیل مؤمنین بدان جهت که بر ایمان به خدا اجتماع کرده جامعه‌ای تشکیل می‌دهد، همان اجتماع بر اطاعت خدا و رسول است. راه مؤمنین عبارت است از اجتماع بر اطاعت رسول. چون حافظ وحدت سبیل مؤمنین (۱۱۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت همان اطاعت رسول است.

و وقتی به حکم آیات راه خدا عبارت است از راه تقوا و مؤمنین عبارتند از کسانی که به سوی این راه دعوت شده‌اند، در نتیجه سبیل این مؤمنین در حالی که اجتماعی تشکیل داده‌اند عبارت است از سبیل تعاون بر تقوا - «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (۲) / (مائده)
 این آیه بطوری که ملاحظه می‌کنید از معصیت خدای تعالی و شق عصای اجتماعی اسلام و یا به عبارتی ایجاد تفرقه در آن را نهی می‌کند. با این افراد دو نوع معامله می‌شود: «نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى»، و «نُصَلِّهِ جَهَنَّمَ»، و نیز دلالت دارد بر اینکه هر دو معامله یکی است، یک امر الهی است که قسمتی از آن - که قسمت آغاز آن باشد - در دنیا جریان می‌یابد و آن مسأله نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی (۱۱۹)

«تَوَكَّيْتُمْ مَا تَوَكَّلْتُمْ» است و قسمت دیگرش در آخرت بروز می کند و آن مسأله «اصلاء در جهنم» است، که بد بازگشت گاهی است .

«انَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُشْرَكَ بِهِ...» این آیه دلالت می کند بر اینکه مشاقه و دشمنی با رسول، شرک به خدای عظیم است، و اینکه خدای تعالی این گناه را که به وی شرک بورزند نمی آمرزد، و ای بسا این معنا از آیات شریفه زیر نیز استفاده شود که می فرماید:

«انَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَ صَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَ شَاقُّوْا الرَّسُوْلَ مِنْۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدٰى لَنْ يُّضُرُّوْا اللّٰهَ شَيْئًا وَ سَيُحْبَطُ اَعْمَالُهُمْ» (۳۲ / محمد)

«يا أَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اطِيعُوا اللّٰهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُوْلَ وَ لَا تَبْغُوْا اَعْمَالَكُمْ» (۳۳ / محمد) «انَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَ صَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ مَاتُوْا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُّغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ» (۳۴ / محمد)

وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

چون ظاهر آیه سوم این است که می خواهد مضمون آیه دوم که به اطاعت خدا و اطاعت کردن از رسول امر می کند را تعلیل کند، در نتیجه بفهماند که خروج از اطاعت خدا و طاعت رسول او، کفری است که هرگز آمرزیده نمی شود، و این را هم به حکم آیاتی دیگر می دانیم که کفری که هرگز آمرزیده نمی شود شرک به خدا است.

الحاق جمله « وَ يَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَآءُ » به جمله «انَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُشْرَكَ بِهِ» به این منظور بوده که بیان را تکمیل کند و عظمت این مصیبت شوم یعنی مشاقه و دشمنی با رسول را بفهماند!! (۱)

۱-المیزان ج: ۵ ص: ۱۳۱

نهی از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی (۱۲۱)

دستور دخول در سلم جمعی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ
عَدُوٌّ مُّبِينٌ»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید بدون هیچ اختلافی همگی تسلیم خدا شوید و زنه‌ار گامهای شیطان را پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است»، (۲۰۸ / بقره) «فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» «پس اگر بعد از این همه آیات روشن که برایتان آمد داخل در سلم نگردید و (۱۲۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت باز هم پیروی گامهای شیطان کنید بدانید که خدا غالبی شکست‌ناپذیر و حکیمی است که هر حکمی در باره شما براند به مقتضای حکمت می‌راند.» (۲۰۹ / بقره) این آیات راه تحفظ و نگهداری وحدت دینی در جامعه انسانی را بیان می‌کند، و آن این است که مسلمانان داخل در سلم شوند، و تنها آن سخنانی که قرآن تجویز کرده بگویند، و آن طریقه عملی را که قرآن نشان داده پیش گیرند، که وحدت دینی از بین نمی‌رود، و سعادت دو سرای انسان‌ها رخت نمی‌بندد، و هلاکت به سراغ هیچ قومی نمی‌رود مگر به خاطر خارج شدن از سلم، و تصرف در آیات خدا، و جابجا کردن آنها، که در امت بنی اسرائیل و امتهای گذشته دیگر دیده شده، و به زودی نظیر آن هم در این امت جریان خواهد یافت.

ولی خدای تعالی این امت را وعده نصرت داده و فرموده: «أَلَا إِنَّ
دَسْتورَ دَخولَ در سلمَ جمعی (۱۲۳)
نَصْرُ اللَّهِ قَرِيبٌ!»

کلمات سلم و اسلام و تسلیم هر سه به یک معنا است و کلمه «کافه» یعنی همگی، مانند کلمه «جمیعا» تأکید را افاده می‌کند، و چون خطاب به مؤمنین بود و مؤمنین مأمور شده‌اند همگی داخل در سلم شوند پس در نتیجه امر در آیه مربوط به همگی و به یک یک افراد جامعه است، هم بر یک یک افراد واجب است و هم بر جمیع که در دین خدا

چون و چرا نکنند، و تسلیم امر خدا و رسول او گردند. و نیز از آنجائی که خطاب به خصوص مؤمنین شده، آن سلمی هم که به سویس دعوت کرده به معنای تسلیم در برابر خدا و رسول شدن است، و امری است متعلق به مجموع امت و به فرد فرد آنان، پس هم بر یک یک (۱۲۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت مؤمنین واجب است و هم بر مجموع آنان. پس سلمی که بدان دعوت شده‌اند عبارت شد از تسلیم شدن برای خدا، بعد از ایمان به او. پس بر مؤمنین واجب است امر را تسلیم خدا کنند، و برای خود صلاح دید و استبداد به رأی قائل نباشند و به غیر آن طریقی که خدا و رسول بیان کرده‌اند طریقی دیگر اتخاذ نمایند، که هیچ قومی هلاک نشد مگر به خاطر همین که راه خدا را رها کرده، راه هوای نفس را پیمودند، راهی که هیچ دلیلی از ناحیه خدا بر آن نداشتند، و نیز حق حیات و سعادت جدی و حقیقی از هیچ قومی سلب نشد مگر به خاطر این که در اثر پیروی هوای نفس ایجاد اختلاف کردند. دستور دخول در سلم جمعی (۱۲۵) از اینجا روشن می‌گردد که مراد از پیروی خطوات شیطان، پیروی او در تمامی دعوت‌های او به باطل نیست، بلکه منظور پیروی او است در دعوت‌هایی که به عنوان دین می‌کند، و باطلی را که اجنبی از دین است زینت داده و در لفافه زیبای دین می‌پیچد، و نام دین بر آن می‌گذارد، و انسان‌های جاهل هم بدون دلیل آنرا می‌پذیرند، و علامت شیطانی بودن آن این است که خدا و رسول در ضمن تعالیم دینی خود نامی از آن نبرده باشند. و از خصوصیات سیاق کلام و قیود آن این معنا نیز استفاده می‌شود، که خطوات شیطان تنها آن گام‌هایی از شیطان است، که در طریقه و روش پیروی شود.

و اگر فرض کنیم که این پیروی کننده مؤمن باشد - که طریقه او همان طریقه (۱۲۶) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

ایمان است لاجرم طریقه چنین مؤمنی طریقه شیطانی در ایمان است، و وقتی بر هر مؤمنی دخول در سلم واجب باشد، قهرا هر طریقی که بدون سلم طی کند خطوات شیطان و پیروی از آن پیروی از خطوات شیطان خواهد بود.

پس این آیه شریفه نظیر آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۱۶۸ و ۱۶۹ / بقره) خواهد بود.

و نیز نظیر آیه: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ » (۲۱ / نور) و باز نظیر آیه: « كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

دستور دخول در سلم جمعی (۱۲۷) عَدُوٌّ مُّبِينٌ می باشد.

فرق میان این آیات و آیه مورد بحث این است که در آیه مورد بحث به خاطر کلمه «كَافَّةً» دعوت متوجه به جماعت شده و در آیات نامبرده این خصوصیت نیست، پس آیه مورد بحث در معنای آیه: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» و آیه: «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (۱۵۳ / انعام) است، که خطاب متوجه جامعه اسلام و مجموعه افراد شده است.

از آیه شریفه بالا استفاده می شود که اسلام تمامی احکام و معارفی را که مورد حاجت بشر است و صلاح مردم را تأمین می کند تکفل کرده است . «فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ» «زَلَلْتُمْ» به معنای لغزش و اشتباه (۱۲۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

است و معنای آیه این است که حال که دستور دادیم همگی داخل در سلم شوید،

اگر نشدید و به خطا رفتید، با اینکه زلت همان پیروی خطوات شیطان بود - پس بدانید که خدا عزیز و مقتدری است که در کارش از هیچ کس شکست نمی خورد، و حکیمی است که در قضائی که درباره شما می راند هرگز از حکمت خارج نمی شود، آنچه حکم می کند بر طبق حکمت است، و بعد از آنکه حکم کرد خودش هم ضامن اجرای آن است اجرا می کند بدون اینکه کسی بتواند از اجرای آن جلوگیری کند. (۱)

وحدت از دیدگاه سنت

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ، فَإِذَا اشْتَدَّ الشَّاذُّ مِنْهُمْ اخْتَطَفَهُ الشَّيْطَانُ»

۱-المیزان ج: ۲ ص: ۱۵۰ . (۱۲۹)

كَمَا يَخْتَطِفُ الذَّبُّ الشَّاءَ الشَّاذَّةَ مِنَ الْغَنَمِ»
دست خدا بر سر جماعت است؛ هرگاه فردی از جماعت جدا شود شیطان او را می رباید؛ همچنان که گرگ گوسفند جدا مانده از رمه را. (۱)

معنای جماعت

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَقَدْ سُئِلَ عَنْ تَفْسِيرِ السُّنَّةِ وَالْبِدْعَةِ وَالْجَمَاعَةِ وَالْفُرْقَةِ - السُّنَّةُ - وَاللَّهُ - سُنَّةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَالْبِدْعَةُ مَا فَارَقَهَا ، وَالْجَمَاعَةُ - وَاللَّهُ - مُجَامَعَةُ أَهْلِ الْحَقِّ وَإِنْ قَلُّوا ، وَالْفُرْقَةُ مُجَامَعَةُ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَإِنْ كَثُرُوا»

۱- کنز العمال: ۱۰۳۱ .

(۱۳۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

امام علی علیه السلام - در پاسخ به پرسش معنای سنت، بدعت، جماعت و تفرقه فرمود: به

خدا سوگند سنت همان سنت محمد صلی الله علیه و آله است و بدعت آنچه خلاف آن باشد و به خدا قسم جماعت همدست شدن با اهل حق است هر چند اندک باشند و تفرقه همدستی با اهل باطل است هر چند بسیار باشند. (۱)

پیامدهای اختلاف

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ امتی پس از پیامبر خود گرفتار

۱- کنز العمال .

معنای جماعت (۱۳۱)

اختلاف نشد مگر آن که باطل گرایان آن بر حق خواهانش پیروز گشتند. (۱)
«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَخْتَلِفُوا، فَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ اخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با هم اختلاف نکنید ؛ که پیشینیان شما

دچار اختلاف شدند و نابود گشتند. (۲)

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ»

با یکدیگر ناسازگاری مکنید که دل‌هایتان ناسازگار و پراکنده می‌شود. (۳)

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَذْهَبْتُمْ مِنْ عِنْدِي جَمِيعًا وَجِئْتُمْ مُتَفَرِّقِينَ؟! إِنَّمَا

۱- کنز العمال: ۹۲۹

۲- کنز العمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴

۳- کنز العمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴

(۱۳۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْفُرْقَةُ»
 از نزد من با هم و یکپارچه رفتید و پراکنده برگشتید؟ جز این نیست
 که پیشینان شما را، تفرقه و پراکندگی نبود کرد. (۱)
 «احذروا ما نزل بالأمم قبلكم من الأمثال بسوء الأفعال و ذم الأفعال، فتذكروا في
 الخير و الشر أحوالهم، و احذروا أن تكونوا أمثالهم .
 فإذا تفكرتم في تفاوت حالهم فالزموا كل أمر لزمتم العزة به شأنهم (حالهم)، و
 زاحت الأعداء له عنهم، و مدت العافية به عليهم، و أنقادت النعمة، و وصلت الكرامة عليه
 حبلمهم: من الاجتناب للفرقة، و اللزوم للألفة، و التحاض عليها، و التواصي بها. و اجتنبوا
 كل أمر كسر فقرتهم، و أوهن منتهم: من تضاعن القلوب، و تشاحن الصدور،
 ۱- كنز العمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴

پیامدهای اختلاف (۱۳۳)

و تدأبر النفوس، و تخاذل الأيدي. و تدبروا أحوال الماضين من المؤمنين قبلكم... فانظروا
 كيف كانوا حيث كانت الأملاء مجتمعة، و الأهواء مؤتلفة (متفقه)، و القلوب معتدلة،
 و الأيدي مترادفة (مترافدة)، و السيوف متناصرة، و العزائم واحدة. ألم يكونوا أربابا في
 أقطار الأرضين، و ملوكا على رقاب العالمين؟! فانظروا إلى ما صاروا إليه في آخر أمورهم،
 حين وقعت الفرقة، و تشتت الألفة، و اختلفت الكلمة و الأئدة، و تشعبوا مختلفين، و
 تفرقوا متحاربين (متحازبين)، قد خلع الله عنهم لباس كرامته، و سلبهم غضارة
 نعمته، و بقي قصص أخبارهم فيكم عبرا للمعتبرين.

امام علی علیه السلام: از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملت های پیش
 از شما آمد پرهیزید و احوال خوب و بد آنان را به یاد آورید و از این که چون
 آنان باشید دوری کنید.

(۱۳۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

اگر در احوال نیک و بد آنان بیندیشید همان کاری را عهده دار شوید که عزیزشان گرداند

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكُمْ وَ التَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ، فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ، وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا، مِمَّنْ بَقِيَ» امام علی علیه السلام : از چندرنگی و اختلاف در دین خدا بپرهیزید؛ زیرا یکپارچگی در آنچه حق است ولی شما آن را ناخوش می‌دارید. از پراکندگی در آنچه باطل است اما خوشایند شما می‌باشد بهتر است. خدای سبحان به هیچ یک از گذشتگان و

۱- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید ۱۸۱/۵.

پیامدهای اختلاف (۱۳۷)

باقی ماندگان بر اثر تفرقه و جدایی خیر و خوبی عطا نکرده است. (۱)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ، وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً، وَ يُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ، وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ، فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَاغَاتِهِ وَ نَفَثَاتِهِ» همانا شیطان راه‌های خود را برای شما آسان و هموار می‌کند و می‌خواهد بنده دین شما را بگسلاند و به جای یکپارچگی پراکندگی نصیبتان کند و بر اثر پراکندگی فتنه و فساد پدید آورد. پس از وسوسه‌ها و افسون‌هایش

روگردان شوید. (۲)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ، لَأَعْظُنُّ أَنْ هُوَ لَاءِ الْقَوْمِ سَيِّدِ الْوَنَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلِيٌّ بَاطِلُهُمْ

۱- نهج البلاغه: الخطبة ۱۷۶.

۲- نهج البلاغه: الخطبة ۱۲۱.

(۱۳۸) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ»

به خدا سوگند، گمان می‌کنم که این قوم بزودی بر شما یکپارچه و متحدند و شما در حق خود دچار تفرقه و پراکندگی هستید. (۱)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ فِي بَنِي أُمِيَّةَ مَا لَمْ يَخْتَلِفُوا بَيْنَهُمْ»

تا زمانی که میان بنی امیه اختلاف نیفتد حکومت پیوسته در دست آنان خواهد بود. (۲)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ لِبَنِي أُمَيَّةَ مَرُودًا يَجْرُونَ فِيهِ، وَ لَوْ قَدْ اِخْتَلَفُوا بَيْنَهُمْ ثُمَّ كَادَتْهُمْ الضَّبَاعُ لَغَلَبَتْهُمْ»

۱- نهج البلاغه: الخطبة ۲۵

۲- كنز العمال: ۸۹۴، ۸۹۵، ۹۲۰، ۳۱۷۵۴

پیامدهای اختلاف (۱۳۹)

بنی امیه را میدان مهلتی است که در آن می‌تازند و آن گاه که در میانشان اختلاف افتد گفتارها بر آنان چیره گردند. (۱)

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا اِخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَلَالَةً»

هیچ گاه دو دعوت برخلاف یکدیگر نشد مگر این که یکی از آن دو (دعوت به) گمراهی بود. (۲)

اختلاف کیفری الهی است

۱- نهج البلاغه: الحکمة ۴۶۴ و ۱۸۳

۲- نهج البلاغه: الحکمة ۴۶۴ و ۱۸۳

(۱۴۰) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

«الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : - لَمَّا قَالَ لَهُ بَعْضُ الْيَهُودِ: مَا دَفَعْتُمْ نَبِيِّكُمْ حَتَّى اِخْتَلَفْتُمْ فِيهِ! - إِنَّمَا اِخْتَلَفْنَا عَنْهُ لَا فِيهِ، وَ لَكِنَّا كُنَّا مَا جَفَّتْ أَرْجُلُكُمْ مِنَ الْبَحْرِ حَتَّى قُلْتُمْ لِنَبِيِّكُمْ: (اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ) فَقَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»

یک نفر یهودی به علی علیه السلام گفت: هنوز پیامبر خود را دفن نکرده درباره او دچار اختلاف شدید! حضرت فرمود: ما در جانشینی او اختلاف کردیم نه درباره خود او. اما شما هنوز پاهایتان از آب دریا نخشکیده بود که به پیامبرتان گفتید: «همچنان که

آنان را خدایان است برای ما نیز خدایی در نظر گیر، پس او گفت: شما مردمی نادانید» (۱).

۱- نهج البلاغه: الحکمه ۳۱۷
پیامدهای اختلاف (۱۴۱)

معنای «پراکندگی امت من رحمت است»

«رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اِخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ»
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پراکندگی امت من رحمت است. (۱)
«الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَمَّا سَأَلَهُ عَبْدُ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيُّ : إِنَّ قَوْمًا رَوَوْا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : إِنَّ اِخْتِلَافَ أُمَّتِي رَحْمَةٌ - صَدَقُوا. قُلْتُ : إِنَّ كَانَ اِخْتِلَافُهُمْ رَحْمَةً فَاجْتِمَاعُهُمْ عَذَابٌ؟ قَالَ : لَيْسَ حَيْثُ ذَهَبْتَ وَ ذَهَبُوا، إِنَّمَا أَرَادَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ : (فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ...)، فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَنْفَرُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَخْتَلِفُوا إِلَيْهِ فَيَتَعَلَّمُوا ثُمَّ يَرْجِعُوا إِلَى قَوْمِهِمْ فَيُعَلِّمُوهُمْ، إِنَّمَا أَرَادَ اِخْتِلَافُهُمْ مِنَ الْبُلْدَانِ، لَا اِخْتِلَافًا فِي دِينِ اللَّهِ،
۱- كنز العمال: ۲۸۶۸۶، قال المناوي في الفيض (۲۰۹/۱).

(۱۴۲) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت
إِنَّمَا الدِّينُ وَاحِدٌ

عبدالمؤمن انصاری به امام صادق علیه السلام عرض کرد: عده‌ای روایت می‌کنند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پراکندگی امت من رحمت است. امام فرمود: راست می‌گویند. (عبدالمؤمن می‌گوید:) عرض کردم: اگر پراکندگی آنان رحمت است پس یکپارچگی ایشان عذاب است؟ حضرت فرمود: معنای این حدیث آن گونه که تو و آنان فهمیده‌اید نیست بلکه منظور پیامبر این سخن خدای عز و جل است که: «چرا از هر گروهی از ایشان جماعتی کوچ نمی‌کنند...». خداوند به آنان فرمان داد که از هر سو

نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بروند و آموزش ببینند و سپس نزد مردم خود برگردند و تعلیمات را به آنها نیز بیاموزند. منظور پیامبر پراکنده و جدا شدن آنها از شهرهایشان است نه پراکندگی در دین خدا
معنای «پراکندگی امت من رحمت است» (۱۴۳)
زیرا دین یکی بیش نیست. (۱)

علت تفرقه و جدایی

«الْإِمَامُ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ»
اگر نادان خاموشی می‌گزید مردم دچار اختلاف نمی‌شدند. (۲)
«الْإِمَامُ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَىٰ دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ، وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ، فَلَا تَوَازَرُونَ (تَأْزَرُونَ) وَلَا تَتَّصِحُونَ، وَلَا تَبَادُلُونَ»
و لا توادون»

۱- معانی الاخبار: ۱/۱۵۷

۲- البحار: ۷۵/۸۱/۷۸

(۱۴۴) وحدت از دیدگاه قرآن و سنت

شما برادر دینی یکدیگرند و آنچه میان شما جدایی انداخته درون پلید و نهاد بد است، به این سبب بار یکدیگر را بر نمی‌دارید و برای هم خیر خواهی نمی‌کنید و به هم بذل و بخشش نمی‌کنید و با هم دوستی نمی‌ورزید. (۱)

۱- نهج البلاغه: الخطبة ۱۱۳

علت تفرقه و جدایی (۱۴۵)

(۱۵۳)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
 بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام

با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
 الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
 ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخی گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
 (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
 ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی /

مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com

فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱)

بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده

ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت

مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم

عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب

شبا: 53-0609-0621-0000-0000-0180-IR90 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای

قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - : هر کس عهده دار یتیمی از ما شود

که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او

سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک

کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به

عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».